

یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۶ مرداد ماه ۵۹ شماره ۸۲ تک شماره ۱۰ ریال

## نوسازی اقتصاد روستایی

صفحه ۴

## حزب توده دشمن

## جمهوری اسلامی

صفحه ۶

## چه باید کرد؟

# باید به توده‌ها تکیه کرد

و سپس در تهران آغاز شد و این مراکز یکی پس از دیگری توسط گروه‌هایی که خود را " جوانان مسلمان " ، " جوانان مسلمان پیرو خط امام " و غیره معرفی می‌کردند به اشغال درآمد .

بدین ترتیب در این مورد مشخص ما به فاصله چند روز از قلمرو قانون به قلمرو هرج و مرج ، از چهار چوب تفاهم به عرصه تشنج و درگیری رانده می‌شویم ، سقوط می‌کنیم ، و بیم آن می‌رود که این انحطاط ادامه یابد ، ادامه یابد تا ...

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که : چه باید کرد ؟

برای پاسخ به چه باید کرد ، اول باید ارزیابی کرد ، ارزیابی از این اتفاق به مثابه یکی از رویدادهای جامعه ، در این ارزیابی باید واقعه را در چار چوب اوضاع عمومی قرار داد ، یعنی اوضاع را در مجموع بررسی کرد و خود را جزئی از کل دانست و باید از خود مرکز بینی اجتناب کرد .

اولا اشغال دفاتر حزب ما در تهران و شهرستانها به حزب محدود نمی‌شود بلکه بخشی است از تعرض به بقیه در صفحه ۲

و تشنج صورت گرفته بود ، اقدامی بود در جهت تفاهم ملی و مورد استقبال حزب ما قرار گرفت . جراید در طی چند روز متوالی اسامی گروهها و احزاب مختلف سیاسی و مذهبی را که به این دعوت جواب مثبت داده بودند منتشر کردند . و افکار عمومی منتظر اعلام زمان و چگونگی اجرای این بحث ها بودند .

در این اثناء بود که موج هجوم به دفاتر و مراکز احزاب در شهرستانها

حدود ده روز پیش آقای مهندس میر سلیم ، معاون سیاسی وزارت کشور و سرپرست شهربانی و به احتمال قوی نخست وزیر آینده ، از گروه‌ها و احزاب مختلف دعوت به عمل آورد تا آمادگی خود را برای بحث و مناظره رادیو - تلویزیونی به اطلاع وزارت کشور برسانند . این دعوت که به دنبال ممنوعیت تظاهرات خیابانی و اجتماعات سیاسی گروهها از طرف همان مقام و به دلیل جلوگیری از ایجاد جو تحریک

علیرغم تشدید اعمال ضد دموکراتیک باید همچنان بر مبارزه علیه دوا بر قدرت پافشاری نمود

# اخلال انحصار طلبی در مبارزه ضد امپریالیستی

### خشم مردم را برانگیخته است

سازمانها و احزاب سیاسی نیز گشته است که از جمله اشغال دفاتر حزب رنجبران ایران توسط گروههای فشار را می‌توان مثال زد .

اکنون دیگر به خوبی می‌توان دید که این موج به یکی از عوامل اصلی هرج و مرج و اغتشاش در کشور تبدیل

بقیه از صفحه ۲

ملیتهای مختلف و غیره نیز صادق است . موج اعمال ضد دموکراتیک که در هفته‌های اخیر تشدید یافته و وسعت کم سابقه‌ای گرفته است و اکنون دیگر حتی قوانین مصرحه در قانون اساسی را گرفته ، در مقیاس وسیعی دامنگیر

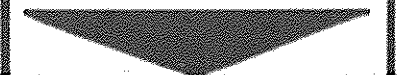
است . سنگینی بار این جریان ضد دموکراتیک همچون دیگر مصائب و نا - بسامانی های جامعه - تنها بردوش نیروهای سیاسی نبوده بلکه در وهله اول و اساسا به دوش زحمتکشان میهن ما است .

ستم بر کارگران در کارخانه‌ها و کارگاهها افزاینده است . احجاف و - زور گویی ، جلوگیری از ایجاد تشکل - های مستقل کارگری ، تهدید و ارعاب و قوانین ضد کارگری از قماش ماده ۳۳ قانون کار و ... گوشه‌هایی از این ستمها را نشان می‌دهند . صدها هزار کارگر زحمتکش که ستون فقرات انقلاب را تشکیل می‌دهند ، علاوه بر اینکه کمربان در زیر بار استثمار ، فقر و مشکلات معیشتی خم شده ، از موج ضد دموکراتیک فرآینده شدیدترین رنج را می‌برند .

این واقعیت در مورد دهقانان

موج اعمال ضد دموکراتیک توسط مراکز قدرت خود گامه و نیروهای فشار علیه توده‌های مردم و نیروهای سیاسی همچنان ادامه داشته و تشدید گردیده

## امام خمینی در باره وحدت، نظم و قانون



## پرونده سازی

## علیه حزب ما محکوم است!

همزمان و بدنبال اشغال مراکز و دفاتر حزب ما در تهران و شهرستان ها ، یک کارزار توطئه‌آمیز دروغ و جعل و افترا و پرونده سازی علیه حزب ما توسط مهاجمین و دست‌های مرموزی که پنهانی آنان را رهبری می‌کنند

قرار گرفته و بزور به اشغال مهاجمین که از دیوار بالا رفتند ، درآمد . مهاجمین پس از اشغال ساختمان به غارت اشیاء موجود پرداختند و مقداری کتب و روزنامه ، ساعت دیواری ، دستگاه تلفن ، ۲۵۰ تومان

## کودتا در بولیوی

کودتا های از این نوع ، علیرغم مخالفت های ظاهری امریکا ، در نهایت امریکائی است



در ملاقات با فرماندهان ارتش امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی بار دیگر بر روی سه عامل اصلی بقای مملکت و ادامه انقلاب مصر تأکید ورزیدند: وحدت، نظم و قانون. در هفته‌های اخیر این برای چندمین بار است که امام سخنان خود را به این امور اساسی اختصاص می‌دهند و این تأکید، بخصوصی در شرایط کنونی، کاملاً بجا، برحق و ضروری و حیاتی است.

در زمینه وحدت، امام خمینی بر روی ضرورت اتحاد قوای مسلح یعنی ارتش و سپاه پاسداران و اتحاد میان قوای مسلح و مردم تأکید کردند این درسی است که از جمع‌بندی مبارزه ملت در شکست توطئه اخیر امپریالیسم امریکاییست آمده است و همچنان برای آینده معتبر بوده و ارزش استراتژیک دارد.

در همین ارتباط، امام خمینی بار دیگر به نقش ارتش جمهوری اسلامی در دفاع از مملکت در مقابل توطئه‌های ابرقدرت‌ها پرداختند و بر روی ضرورت تقویت آن تأکید گذاشتند. ایشان بدرستی تذکر دادند که وجود مملکتی قلیل توطئه‌گر و عنصر فاسد در درون یک نهاد و یک قشر، دلیل بر فاسد بودن کل آن نهاد نمی‌شود و بدین ترتیب با پشتیبانی بدانه خود ارتش را دل گرمی بخشیدند.

همین‌جلازم است آنچه را در گذشته مکرراً در مورد ارتش گفته‌ایم یادآور سازیم: دوا بر قدرت و عمالشان با تمام قوا می‌کوشند ارتش را منهدم و منحل سازند و یادگار آنچنان زلزله وضعی سازند که کار عملاً به انحلال بکشد تا بدینوسیله راه‌بر تجاوزات آنها به‌مرزبوم مملکت هموار شود. یکی از اهداف توطئه‌خیز امریکایی بختباری درون ارتش همین بود که اگر موفق به کودتا نشدند حداقل بتوانند از سوی ضربات به حیثیت و روحیه ارتشیان وارد آورند و از سوی دیگر نظرات نادرست گوناگون در مورد انحلال ارتش در میان نیروهای سیاسی راجواچ دهند. درست به‌رویی همین زمینه است که میببینیم حزب توده نیز به تبهیت او مقاصد استیلا چوپانه‌ارباب فرصت را مغتنم شمرده و برای ایجاد "ارتش انقلابی" مورد نظر خود چنین پیشنهاد می‌کند که از سروان به بالا کنار گذاشته شوند و فرماندهی ارتش بدست "سروان‌های جوان سپرده‌شود و همچنان مثال ارتش‌های تجاوزگر و توطئه‌گر وابسته به شوروی مانند ارتش‌های کوبا، آنگولا، و

بقیه در صفحه ۶

با زور گوئی، اجحاف و تضحیقات مانکن، زمینداران و مراکز خود کامه قدرت مواجه‌اند و همچنین در مورد سایر زحمتکشان شهر و ده، زنان،

## اطلاعیه دادستان کل انقلاب

در رابطه با اشغال دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی، روزنامه‌ها و ادارات دولتی از طرف آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور اطلاعیه‌ای صادر شد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

"برادران و خواهران مسلمان و مبارز، در چند روز گذشته اشخاصی متفرقه بدون داشتن دستوری از طرف مقامات مسئول به اماکن دفاتر گروه‌ها و بعضی از روزنامه‌ها و حتی بعضی از ادارات دولتی رخنه و آنها را اشغال کرده‌اند بتصور اینکه عمل آنها یک اقدام انقلابی است. با توجه به اینکه در نظام جمهوری اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام میشود باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع انجام گیرد، اقدام به این قبیل اعمال علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و منحل امنیت قضایی و تضعیف ارگانهای مملکتی است، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم است."

"بدیهی است در کشوری که قوه قضائیه و قوه اجرائیه و مجلس شورای اسلامی آن مورد قبول و حمایت امام و امت قرار دارد، اینگونه اعمال جز هرج و مرج نمره دیگری نخواهد داشت. علیهذا لازم است که کلیه افراد مسلمان و متعهد که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمال میزنند بشدت از آن اجتراز نمایند و اگر افرادی به این کارها ادامه دهند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت."

در پایان اطلاعیه گفته شده که اماکن تصرف شده باید تخلیه شده و در اختیار دادستانی کل کشور، یا دادستان انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

بقیه در صفحه ۶

می‌دهد. آنها همچنین مهر سر خود بردند. آنها همچنین مهر رنجبر و چند کارت خبرنگاری رنجبر را دزدیدند که با آنها بهتر بتوانند علیه ما پرونده سازی کنند.

خبرنگار جمهوری اسلامی با سرهم بندی یک ستاریوی کاملاً تخیلی در مورد باصطلاح "کشف بمب و جماق" و دستگیری ۴ نفر "خواستگاره" است تا اولاً بخیال خود به تضعیف روحیه رفقای حزبی ما بیفزاید و ثانیاً برگزیه‌های دیگری بر پرونده ساختگی این شیوه‌های مبتذل تنها می‌تواند رسوایی هرچه بیشتر مجریان آنرا به‌بار آورد.

مردم ما که نظائر این شیوه‌ها را در زمان طاغوت دیده‌اند هیچگاه باور نخواهند کرد و به حقانیت حزب ما که مورد چنین حملات بدستی قرار گرفته بیشتر ایمان خواهند آورد.

مردم ما که نظائر این شیوه‌ها را در زمان طاغوت دیده‌اند هیچگاه باور نخواهند کرد و به حقانیت حزب ما که مورد چنین حملات بدستی قرار گرفته بیشتر ایمان خواهند آورد.

ما پس از افشای ادعای مسخره و توطئه‌آمیز "کشف بمب" در مرکز حزب در تهران، اکنون در مورد باصطلاح گزارش خبرنگار جمهوری اسلامی مندرج در صفحه ۲ شماره شنبه ۴ مرداد آن روزنامه قویاً و بانهایت انزجار نسبت به این شیوه‌های توطئه‌گرانه اعلام می‌داریم که گزارش فوق سراسر جعل و دروغ بوده و عاری از هر گونه واقعیتی است و جریان واقعه را به شرح زیر اعلام می‌داریم:

در بعد از ظهر جمعه ۳ مرداد ۱۳۵۹، دفتر حزب ما در شیراز توسط عده‌ای حدود ۴۰ نفر مورد هجوم

در اطلاعیه‌های مختلفی که پس از اشغال مرکز حزب ما در تهران و در شیراز در جریان منتشر شده کوشش می‌شود این دروغ شرم آور به مردم خورانده شود که در ساختمان های حزب ما "بمب‌های آتش‌زا" کشف شده است. از اینقرار است که در تهران، اشغال کنندگان مشکوک و ناشناس پس از تصرف ساختمان و تخلیه آن از ساکنین باصطلاح "یک بمب آتش‌زای بسیار قوی آماده انفجار" کشف می‌کنند (!!) و در شیراز نیز از قول خبرنگار "جمهوری اسلامی" چنین ادعا می‌کنند که در این ساختمان دهها جماق، چند بمب آتش‌زا، تعداد زیادی کتاب و روزنامه‌های ممنوعه و مضره و ممنوع الانتشار و همچنین مقدار زیادی اسناد و مدارک بدست آمد!

پارلمان صهیونیست‌های اشغالگر بیت المقدس را به عنوان "پایتخت همیشگی و غیر قابل تجزیه" اسرائیل اعلام کرد و با این عمل بار دیگر احساسات مسلمانان جهان را عمیقاً جریحه دار ساخت و خشم و نفرت

## در افغانستان اشغال شده چه میگذرد

وزیر کشور و معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس هوایپمائی افغانستان کشته شدند

بدنبال کشته شدن رئیس هوایپمائی افغانستان بدست مجاهدین در هفته گذشته، اخیراً از کابل گزارش داده‌اند که وزرای آموزش و پرورش و کشور و دولت دست‌نشانده ببرک کارمل نیز توسط مبارزین افغانی اعدام انقلابی شده‌اند.

معاون وزیر آموزش و پرورش دولت پوشالی ببرک کارمل همان کسی است که مسئول تیراندازی و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان افغانی است که علیه اشغال کشورشان

خواهد رسانید.



جنگ‌های خیابانی در لاهور

رئیس جمهور کودتا، به جای خانم لیدیا گوئیلر رئیس جمهوری سابق این کشور بر روی کار آمد.

بقیه در صفحه ۵

## از طرف رئیس جمهور میر سلیم بعنوان نخست‌وزیر پیشنهاد شد

خبرگزاری پارس اعلام کرد آقای مصطفی میر سلیم سرپرست شهربانی و معاون وزارت کشور از طرف آقای بنی‌صدر ریاست جمهوری به عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد گردید. آقای میر سلیم بی‌س از ملاقات با رئیس جمهور اعلام کرد درباره نامهای که قرار است از طرف دکتر بنی‌صدر در این مورد به مجلس ارائه شود مذاکره نموده‌است. میر سلیم درباره تشکیل کابینه اعلام کرد که اینکار به وقت بیشتری نیازمند است.

در این شماره: - اخراج کارگران - صفحه ۳ - تحلیلی در رابطه با اشغال در سازمان چریک‌ها - صفحه ۴

روز پنجشنبه ۲۶ تیر ماه امسال صد هشتاد و نهمین کودتا در کشور بولیوی واقع در آمریکای لاتین به وقوع پیوست و ژنرال لوئیس گارسیامزا

## بیت المقدس پایتخت اسرائیل نیست گورستان صهیونیسم است!

همگانی را بر انگیزد. بیت المقدس قبله اول مسلمانان جهان و مرکز عبادتگاه‌های مسلمین - مسیحیان و یهودیان است و در جریان جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۶۷ به اشغال کامل صهیونیست‌ها درآمده است.

اکنون پارلمان اسرائیل به پیشنهاد مناسبت‌گین سردسته جناب‌ت کاران نژاد پرست صهیونیست‌تین شهر مقدس را پایتخت خود اعلام می‌کند و جنایت جدیدی مرتکب می‌شود. اقدام اخیر صهیونیست‌ها همزمان است با تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل تا به شکایت اعراب علیه اسرائیل غاصب رسیدگی نماید. در این اجلاس اقدام جنایتکارانه اسرائیل قاطعانه محکوم می‌شود لیکن صهیونیست‌ها بدون توجه به این موضع‌گیری قصد تجاوز کارانه خود را عملی می‌سازند.

اقدام اخیر صهیونیست‌ها تا حدی پیش‌رمانه‌است که امریکای جنایتکار نیز از حمایت علنی نسبت به آن عاجز ماند و مصر مجبور به نشان دادن واکنش منفی از خود گردید. بدون شک اقدام جدید صهیونیست‌ها افراد باز هم بیشتری را برای آنان به همراه خواهد آورد و بقیه در صفحه ۶

نوبین اقتصاد کشورمان را در کلی ترین خطوط ترسیم نمود. ما در اینجا تنها به بحث درباره یک مورد آن یعنی اهمیت رشد و توسعه کشاورزی برای استقلال اقتصادی و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی - مان می پردازیم.

شکوفایی کشاورزی، یعنی زندگی تازه در روستاها یعنی به رونق افتادن اقتصاد رو به مرگ روستاهای ستم زده مپهن ما. رشد و توسعه تولید کشاورزی در درجه اول و قبل از هر چیز مسئله معاش خلق را تا حد زیادی حل می کند و حل این مسئله دستاورد بسزگی برای کشورهای تحت سلطه است که تازه قدم در راه رهایی از قید حاکمیت امپریالیسم گذارده اند. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت کشور ما در روستاها زندگی می کنند. یعنی جمعیتی در حدود ۱۸ میلیون نفر. محصولی که به وسیله این جمعیت عظیم تولید می شود حتی جوابگوی نیی از احتیاجات آن نیست. زندگی اقتصادی روستاهای ما آن چنان در هزار توی سرمایه داری بورکراتیک وابسته سر در گم شده که قادر نیست، بدون از سر گذارندن یک تحول اساسی راه به مسیر طبیعی خود ببرد.

در سالهای حاکمیت سپاه رژیم شاه - پس از "اصلاحات ارضی" - در بهترین حالت تولید کشاورزی کشور قادر نبود به بیش از ۳۰٪ از تقاضای مردم ما پاسخ دهد. معاش خلق در گرو واردات کالاهای امپریالیستی بود و هم اکنون هم هست. به همین جهت است که پس از پیروزی انقلاب دستپایی به خود کفایی در زمینه مواد غذایی را جملگی از مهمترین مسائل انقلاب می دانستند و واقعا هم همین طور است. چگونه می توان صحبت از ادامه و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی کرد در حالی که مجبوریم ۸۰ درصد غذای مورد نیازمان را از خارج وارد کنیم، آن هم در شرایطی که کشور خودمان استعداد های فراوانی برای جوابگویی به نیاز های داخلی و حتی صادرات دارد. رشد و توسعه تولیدات کشاورزی در پرتو یک سیاست ملی و مردمی، بدون شک قادر است بسیاری از مسائل معیشت نوده ها را حل کند و حرکت انقلاب را در نتیجه همین امر سرعت بخشد.

هر ساله میلیاردها تومان از

وجود آوریم و از اتکا به یک محصول واحد سفت - و وضعیتی که امپریالیسم به کشورهای تحت سلطه تحمیل می کند رهایی یابیم.

### نقش کشاورزی در توسعه صنعتی

آیا می توان بدون توجه به توسعه کشاورزی، به رشد صنعتی پرداخت؟ بدون شک نه. در این شکی نیست که در شرایط کنونی جهان برای دستیابی به استقلال کامل باید هر چه بیشتر در مسیر ترقی و پیشرفت قرار گرفت. در جهان امروز، یک جامعه پیشرفته بنا گیر باید جامعه ای صنعتی باشد. به جرئت می توان گفت که امر استقلال و تحکیم مبنای آن تا حد زیادی بستگی به میزان پیشرفت صنعتی کشورها دارد. اما چه مناسباتی باید میان بخشهای مختلف اقتصاد از یکسو و صنعت از سوی دیگر برقرار باشد تا حد اغلای پیشرفت اقتصادی و توسعه صنعتی را تضمین کند؟ و به طور مشخص چه مناسباتی باید میان کشاورزی و صنعت برقرار باشد و اساسا نقش کشاورزی در توسعه صنعتی چیست؟

رشد کشاورزی خود فراهم آورنده مواد خام برای صنایع نیز هست. صنایع سبک تنها بر بنیاد یک کشاورزی رشد یافته می توانند گسترش یابند و صنایع سنگین نیز زمینه توسعه خود را تنها بر پایه شکوفایی تولید در بخش کشاورزی خواهند یافت. گذشته از اینکه کشاورزی می تواند مواد اولیه بسیاری از رشته های صنعتی را فراهم نماید، در عین حال قادر است زمینه ایجاد یک رشته صنایع سبک و متوسط منکی به روستا را تدارک ببیند. یک کشاورزی توسعه یافته بازار وسیعی برای مصرف کالاهای صنعتی فراهم می نماید.

جامعه ای که توسعه صنعتی را بدون تکیه به رشد کشاورزی در پیش گیرد اولاً با کمبود مداوم مواد اولیه برای صنایع روبروست و ثانیاً بازار آن بطور مرتب باید با کاهش و کمبود روز افزون کالاهای اساسی مود نیاز مردم، یعنی کالاهای کشاورزی و مواد غذایی روبرو باشد، که این امر خواه نا خواه کشور را به سوی وارد کردن مواد و محصولات کشاورزی و غذایی و در نتیجه رو در رو و یا با عدم تعادل ارزی می کشاند. حل مسئله صنعتی شدن جامعه

## ارگان حزب رنجبران ایران

چنین حرکتی در زندگی اقتصادی جامعه بی شک بخش عظیمی از نیروی کار کشور را به کار خواهد گرفت و تب بیکاری را تا حد زیادی فرو خواهد نشاند. توسعه کشاورزی و افزایش محصولات آن، به همراه نتایج تبعی اش در بخشهای دیگر اقتصاد، عامل بسیار مهمی در متعادل نگهداشتن سطح عمومی قیمت ها خواهد بود. افزایش تولید داخلی، ما را از واردات بی - نیاز کرده و در نتیجه به میزان کمتری از تورم جهانی که مرتباً همراه با کالاهای امپریالیستی وارد کشور می کنیم، آسیب خواهیم دید.

### دگرگونی اقتصاد روستایی نیازمند برنامه های جامع است

بدون شک برای اینکه بتوانیم خون تازه ای در رگهای اقتصاد بیمار روستاهای کشورمان بدهانیم، باید به طور منظم، با نقشه و با برنامه ای جامع، روشن و دقیق کار کنیم. نمی توان امری بدین اهمیت را به دست برنامه های روز مره و سلیقه های مسئولین رنگ و وارنگ خوش سلیقه و بد سلیقه سپرد. اساس یک چنین برنامه ای را باید اتکا به توده های وسیع دهقانان تشکیل دهد. هر برنامه ای که بخواهد کوچکترین تردیدی در نقش اساسی و تعیین کننده توده های دهقان در امر دگرگون سازی اقتصاد روستایی داشته باشد، بی شک محکوم به شکست است. برای اینکه بتوانیم توده های دهقان را به منظور تحقق چنین هدفی به حرکت در آوریم، در درجه اول لازم است نظام مالکیت را در روستا به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین دگرگون سازیم و به حاکمیت سرمایه داری بورکراتیک بر روستاهای کشورمان خاتمه دهیم. باید به مسئله دهقان، در تمام ابعادش توجه جدی نمائیم تا بتوانیم مهمترین شرط دگرگون سازی اقتصاد روستایی را به عمل در آوریم. برنامه ای که برای دگرگون اقتصاد روستایی و نو سازی کشور تهیه می شود باید مجموعه عوامل مثبت را در نظر گرفته، آنها را متحد نماید و به جنگ مرگ و زندگی با عوامل منفی برخیزد. یک جانبه نگری، تنگ نظری، انحصار

لازم برای شکوفایی اقتصاد ملی، بی - شک به رشد شتابناک اقشار و طبقات خلقی می انجامد و توسعه سرمایه داری ملی در روستا را به حداکثر لازم امکان پذیر می سازد. نتایج تبعی توسعه کشاورزی تحت رهبری صنعت، یعنی رشد صنایع سبک و متوسط و ... در مجموع اقتصاد ما را از پراکندگی کنونی نجات داده، اجزاء مختلف آن را از پیوستگی درونی و انتظامی منطقی بر - خوردار نموده و پایداری عینی بسیار قدرتمندی برای وحدت عمیقتر اقشار و طبقات خلقی بر مبنای منافع مشترکشان در دفاع از رشد و گسترش اقتصاد ملی و مبارزه با وابستگی، فراهم می آورد. این امر بدون شک موجب تضعیف اقتصادی سرمایه داری وابسته و انفراد سیاسی آن خواهد شد. این برای مبارزه سیاسی ما در جهت کسب استقلال اهمیت بسیاری دارد. وحدت طبقات خلقی بر چنین پایه ای به مراتب مستحکم تر و دیر پا تر خواهد بود.

توسعه کشاورزی و صنایع کوچک و متوسط منکی به آن از نقاط مختلف کشور، مناطق گوناگون میهنمان را از وابستگی بیش از حد به مرکز و به دیگر مناطق در آورده و یک اقتصاد محلی نسبتاً خود کفا را در نقاط مختلف، سازمان خواهد داد. برخورداری کشور از یک چنین ویژگی برجسته ای، اهمیت به سزایی در امر دفاع ملی خواهد داشت.

استقلال و تمامیت ارضی میهن ما به طور جدی از جانب دو ابر قدرت و به ویژه سو سیال امپریالیسم تجاوزگر روسیه تهدید می شود. در این رابطه تدارک دفاع از میهن در برابر این ابر تجاوزات اهمیت فراوانی دارد. وجود مناطقی مختلف با خود کفایی نسبی اقتصادی، سلاح مهمی در دست خلق ما خواهد بود تا دشمن را هر چه بیشتر به درون کشور کشانده و با مستنهای آهنگین خود نابودش ساخته و مدفون نماید.

ضعف اقتصادی مناطق گوناگون و وابستگی غیر منطقی کنونی شان به یکدیگر - و در اساس به مرکز - دفاع ملی را با بغرنجی های بیشتری روبرو خواهد ساخت. در عوض خود کفایی نسبی مناطق از نظر اقتصادی، قادر است تا حد زیادی از این بغرنجی به

### چه باید کرد بقیه از صفحه اول

آزادی های گروه های مختلف سیاسی ( البته همین جا باید گفت که اگر چه در این میان مرکز حزب توده نیز که مرکز جاسوسان شوروی است اشغال شده لکن این اقدام نیز از آنجا که توسط گروه های غیر مسئول و نه توسط مقامات قانونی و به انکاء ضوابط قانونی و انقلابی صورت گرفته اقدامی است در جهت ایجاد تزلزل در حکومت قانونی و تضعیف دولت، گذشته از اینکه این اشغال تأثیری در ادامه فعالیت های ضد ملی باند کیانوری نداشته و بر عکس به این باند مزدور بهانه دیگری برای عوام فریبی می دهد. )

ثانیاً تعرض به حقوق دمکراتیک حزب ما و دیگر گروه های سیاسی - حقوقی که به تصریح در قانون اساسی شناخته شده - بخشی است از تعرض وسیعتری که به حقوق توده ها و به ویژه به حقوق کارگران این مرز و بوم صورت می گیرد و در ماههای اخیر به طرز بی سابقه ای تشدید یافته است. انواع مختلف ستمی که نازیانه وار بر دوش کارگران فرود می آید، و ما در شمارم های پیشین رنجبر به افشای آنها پرداخته ایم و همچنین امواج متعدد اخراج کارگران مبارز از کارخانه ها که آنان و خانواده هایشان را به روز سیاه می نشاند نمونه برجسته این تعرض عمومی به حقوق و آزادی های زحمت - کشان کشور ما است.

ثالثاً هجوم به دفاتر و مراکز احزاب، یگانه اقدام هرج و مرج طلبانه روزها و هفته های اخیر نبوده، بلکه دنباله یک سلسله اقدامات در زمینه های مختلف ( پاکسازی، حجاب ... ) بوده که به دلیل اخلال انحصار طلبی و انقلابی نمائی، به هرج و مرج منتهی گردید.

البته بر تمام این انواع هرج و مرج ما باید هرج و مرج عدم امنیت قضایی را نیز افزود.

از مرور این عوامل مختلف چنین نتیجه می شود که:

اولاً در حال حاضر ما شاهد یک تعرض عمومی از جانب انحصار طلبان به آزادی های دمکراتیک و اعمال ستم به طور اعم می باشیم. این تعرض جنبه عمده دارد.

ثانیاً حزب ما نیز که مواضع راستین و آتشین استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی است نمی توانست

بینی به شدت احتراز کرد و ثانیاً به توده های وسیع خلق انکاء نمود.

باید از خود مرکز بینی احتراز کرد نه بدین معنی که امر دفاع از حزب را در برابر انواع حملات زبانی، قلمی و عملی دشمنان و دوستان نادان انقلاب اسلامی به کنار گذاشت. نه، باید با تمام قوا از حزب در برابر حملات دفاع نمود. لکن این امر باید برای هر رفیق و هوادار حزب مانند روز روشن باشد که دفاع از حزب یعنی دفاع از آرمان های استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی توده های خلق و طبقه کارگر قهرمان ایران. باید از حرکات عکس العملی که تظاهر خود مرکز بینی و ندیدن مجموع اوضاع است پرهیز کرد و برای جلوگیری از در غلطیدن به حرکات عکس العملی باید همچنان به خط مشی عمومی و اساسی حزب که همان دفاع از شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی و مبارزه برای تحقق سه اصل خلق و اتحاد بزرگ ملی است پا فشاری نمود.

باید به توده های وسیع خلق انکاء نمود و به بسیج و تشکل آنها پرداخت زیرا این توده ها هستند که سازنده تاریخ اند و این توده ها هستند که هم امروز بیش از همه در زیر بار نا بسامانی ها، خود سری ها، زورگوئی ها رنج می برند و با این همه روحیه انقلابی خود را و امید و ایمان خود به ادامه انقلاب را همچنان حفظ کرده اند و برای آرمان خود آماده جانفشانی اند. این توده ها دوست و دشمن خود را می - شناسند، دوست نادان را از دشمن دانا تمیز می دهند، میان درستکار و خاکی تفاوت قائل می شوند. انحصار طلبان، هرج و مرج طلبان و فرصت - طلبان اقلیت کوچکی هستند و هر چقدر هم که هیاهو و جنجال بپا کنند و اغتشاش برافهینند ازند اقلیت کوچکی می شوند، حال آنکه توده ها عظیمی اند و پایه ها و ستون های اصلی اتحاد بزرگ ملی اند. این توده ها آماده اند تا در

سیمای حزب رنجبران ایران، حزب پیشقراول طبقه کارگر ایران، دوست دانا و درستکار و پرچمدار صدیق راه ادامه انقلاب را ببینند و به اتحاد بزرگ ملی باور بیاورند. این توده ها اکنون در برابر این همه نا بسامانی ها عاصی اند و حاضر نیستند به سیاهی تفکر این یا آن جناح حاکمیت، در جنگ بر سر قدرت و جدالهای انحصار طلبانه و قدرت طلبانه گروهی تبدیل



کشاورزی و غذایی می شود. ماهجوریم به خاطر ضعیفای تولید ملی مان هر ساله مقدار بسیار زیادی از دسترنج مردم و ذخایر ارزی کشور را به جیب جهانخواران بین المللی بریزیم تا در مقابلش غذا بخیریم. رشد و توسعه کشاورزی به ما کمک می کند تا بتوانیم در مصرف ذخایر ارزی خود صرفه جویی کنیم و حتی با صدور محصولات کشاورزی، منابع جدیدی برای تهیه ارز بدست آوریم. در شرایط کنونی تقریباً تمام ذخایر ارزی ما ناشی از فروش نفت است. رشد کشاورزی به ما کمک می کند تا بتوانیم در صادراتمان تنوع

میان صنایع سبک، صنایع سبک و کشاورزی. ما قبلاً درباره حل صحیح این مناسبات صحبت کرده ایم (رنجبر، دوره دوم، شماره ۲۸). در یک کلام کشاورزی باید اساس اقتصاد ما را تشکیل دهد و صنعت باید نقش رهبری و هدایت ساختمان اقتصادی را به عهده داشته باشد. رشد و توسعه کشاورزی در نهایت باید تحت هدایت صنعت و برای پاسخگویی به ضرورت های توسعه صنعتی کشور انجام پذیرد. صنعت و کشاورزی باید رو به یکدیگر داشته باشند و در مجموع امر بزرگ ساختمان نوین اقتصادی کشور را تحت رهبری صنعت به پیش برند.

سجش تئوریهای من درآوردی کردن، هرچندکه ظاهری انقلابی داشته باشد، تاریخ آن را به عنوان یک حرکت خلاف مصالح مردم ثبت خواهد کرد.

## اهمیت گوناگونی در روستا در مبارزه سیاسی برای استقلال و دفاع ملی

فراهم نمودن زمینها و شرایط

در یک کلام: دگرگون ساختن اقتصاد روستایی، از طریق در هم شکستن عوامل باز دارنده استقلال و اقتصادی و شکوفایی تولید باید قدرت اقتصادی سیاسی نوینی در روستا حاکمیت یابد و این بخش عظیم از زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به لنگری مستحکم برای ادامه مبارزه علیه سلطه اقتصادی سیاسی فرهنگی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بر میهن ما تبدیل گردد.

مجموع اوضاع جنبه غیر عمد و ثانوی دارد. بنابراین پاسخ ما نیز به اینس تعرض باید با توجه به ارزیابی فوق صورت گیرد، یعنی در درجه اول منافع مجموع خلق، مجموعه جامعه، مصالح مجموع انقلاب و سرنوشت جمهوری اسلامی را در نظر بگیریم. زیرا این مجموع منافع و مصالح ملی و اجتماعی است که اکنون به سختی مورد تعرض قرار گرفته و این پایه های جمهوری اسلامی است که در برابر تندبادیورش انحصار طلبان به تزلزل افتاده است. حزب ما به مثابه پرچمدار دفاع از دستاوردهای انقلاب، دفاع از جمهوری اسلامی که نتیجه خونفشانان دهها هزار نفر از توده های ستمکش خلق ما است، به مثابه پرچمدار اتحاد بزرگ ملی که یگانه راه و مطلقاً یگانه راه نجات انقلاب و میهن است، در شرایط بغرنج و حاد و مخاطره آمیز کنونی مسئولیت فوق العاده خطیری را که برای خروج از بحران و نجات و بقای انقلاب ایران عهده دار است به خوبی و عمیقاً درک نماید.

غیر ممکن است. زور و استبداد باعث رخوت، سکون، بی تفاوتی و سپس عکس العمل و مقابله می گردد و انقلاب را از نیروی محرکه اصلی خود یعنی شور و شوق و ابتکار انقلابی توده ها محروم می سازد. حزب ما به مثابه گردانی پیشرو از نیروهای انقلاب قاطعانه مصمم است با تاکید بر عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی مبارزه در هر دو جبهه را همراه با توده ها ادامه دهد. استقلال طلبان و میهن دوستان واقعی هرگز و تحت هیچ شرایطی عمده بودن مبارزه به خاطر استقلال و علیه دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه را فراموش نمی کنند و مبارزه با انحصار طلبی و جریانات ضد دمو - کراتیک را نیز به مثابه بخشی لازم و ضروری برای انجام موفقیت آمیز نبرد تعیین کننده با امپریالیسم تلقی می کنند.

آنان در عین حال مدافع سر - سخت آزادی و دموکراسی برای توده های وسیع خلق و به ویژه زحمتکشان و نمایندگان سیاسی آنها می باشند و علیه تهدید یا از بین بردن آزادی ها توسط گروهها و مراکز خود گامه قدرت با جدیت مبارزه می کنند.

باید به کسانی که به شرانه سلواریها و جانفشانانهای توده ها به قدرت رسیده اند و اکنون بر سر انحصار قدرت با رقبای خود در جنگ وجدانند و بر مردم ستم و زور روا می دارند هشدار داد که نیروی علیه نابذیر انقلاب اسلامی ایران ناشی از شرکت توده های میلیونی بوده است. آنها هرچه بیشتر در پی انحصار قدرت خود

را از مردم جدا کنند، این نیروی واقعی را از دست داده و مجبورند به شیوه های زور پناه برند. اما هر جا ستم است مقاومت نیز هست و در ایران انقلابی ما،

انقلاب اسلامی، وحدت اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی، یعنی اتحاد بزرگ ملی. پس زنده باد پرچم اتحاد بزرگ ملی که پرچم حزب ما است، پرچم توده ها ست و چراغ راهنمای ما برای خروج از تاریکی های کنونی است. این پرچم را برافراشته تر نگاه داریم، و با کار و کوشش بی گیر توده ها را به گرد آن متحد کنیم، نیروهای هوا دار انقلاب را به زیر آن متحد کنیم، حتی انحصار طلبان و منحرفین دیگر را به کمک انتقاد اصلاح نموده و با خود متحد کنیم و مشتاقان را سر سخنان را منفرد نمائیم.

بکوشیم تا از این طریق نارضائی های به حق توده ها در مجرای خلاق اتحاد و ادامه انقلاب به جریان بیفتد و با تمام قوا از بهره برداری ضد انقلاب، دوا بر قدرت و عملشان از این نارضائی ها جلو گیری کنیم. اینها است پاره ای از مهمترین وظایفی که در حال حاضر بر عهده حزب ما است. اما " چه باید کرد؟" پاسخهای دیگری هم می طلبد که همه آنها نیز خواهیم پرداخت.

## اخلال انحصار طلبی بقیه از صفحه اول

شده که به عدم ثبات سیاسی و ایجاد زمینه مساعد برای اخلال عوامل خارجی ضد انقلاب کمک می کند. منشاء اصلی این اعمال ضد دمو - کراتیک، جریان انحصار طلبی است که در تلاش برای قبضه کردن قدرت، روز و از میدان بدر کردن رقبای خود، روز بروز خود را بیشتر از توده ها جدا می کند و لاجرم برای به کرسی نشاندن نظریات انحصار طلبانه خود مجبور است به شیوه های ضد دموکراتیک و استبدادی پناه برد و گروههای فشار را برای این منظور به خدمت گیرد. این سوچ ضد دموکراتیک در هنگامی بالا گرفته و به نارضائیت مردم دامن می زند که دشمنان اصلی انقلاب اسلامی یعنی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و اعمال داخلی آنها به تلاش - های خود برای تخریب و تضعیف انقلاب افزوده اند و می کوشند تا امیدهای خود مبنی بر به شکست کشاندن انقلاب ایران و سلطه بر میهن ما را بد عمل در آورند.

ایجاد سپاه مزدور اویسی، طرح کودتا های بی در پی، بمب گذاری در شهرها و خرابکاری و ... از طرف عمال و مزدوران امپریالیسم آمریکا از یکسو تهدیدها و توطئه های آشکار و نهان امپریالیسم روسیه، گسترش شبکه جاسوسی کا - گ - ب در ایران، تمرکز نیروی عظیم نظامی در مرزهای شمالی و شرقی، فعالیت خرابکارانه ستون پنجم روس یعنی دار و دسته کیانوری و دیگران از سوی دیگر، خطر بزرگی را که از جانب این دو دشمن اصلی انقلاب

بر مبارزه در این جبهه به ویژه در اوضاع نامساعد و سخت داخلی دارای اهمیت ویژه می باشد. دومین جبهه، مبارزه علیه عوامل داخلی هرج و مرج یعنی آن سری

عواملی است که در خدمت به منافع کوتاه مدت و تنگ نظرانه گروهی، انحصار طلبی، قدرت طلبی و ... در سر راه پیشرفت انقلاب، ایجاد ثبات و نظم، قانونیت و تحقق سه اصل خفق - استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - موانع جدی ایجاد میکنند. این مبارزه هم حقانیت دارد و هم کاملاً ضروری است زیرا که - انحصار طلبی که اکنون با اعمال شیوه های ضد دموکراتیک، مردم را به ستوه آورده، به نارضائیت هرج و مرج، عدم ثبات سیاسی، تشدید تضادهای داخلی و تفرقه و چنددسته گی دامن می زند و شرایط مناسبی برای توطئه های دشمنان اصلی انقلاب فراهم می سازد. بی جهت نیست که در هفته های اخیر به موازات تشدید شیوه های زور و بی قانونی در داخل، توطئه های بزرگ و کوچک عمال آمریکا و روسیه نیز بالا گرفته است که کشف توطئه کودتای آمریکائی و دستگیری دبیر اول سفارت روس به جرم جاسوسی تنها گوشه ای از آنست. بنابراین برای خشک کردن زمینه داخلی توطئه های امپریالیسم، ضروری است با انحصار طلبی و خود کامگی های غیر قانونی با جدیت مبارزه نمود. این ضرورت از منافع والای انقلاب و سرنوشت کشور ناشی می شود و نه از منافع کوچک این یا آن گروه و دسته.

نیروی اصلی انقلاب یعنی توده های میلیونی خلق و به ویژه زحمتکشان برای ادامه انقلاب و حفظ و تحکیم استقلال، به آزادی نیازمند است. بدون آزادی و دموکراسی و در زیر فشار استبداد و خود کامگی، شکوفائی انقلابی، ابتکار و پیشرفت

بر مبارزه در این جبهه به ویژه در اوضاع نامساعد و سخت داخلی دارای اهمیت ویژه می باشد. دومین جبهه، مبارزه علیه عوامل داخلی هرج و مرج یعنی آن سری

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**

بانک ملی ایران  
کمکهای خود را  
به حساب بانکی زیرارز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر  
شماره حساب ۵۳۱۸

**رفجبر**

ارسمان حزب رفجبران ایران  
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامر وزیر  
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان مصدق، باقین تراز  
میدان ولی عصر، کوچه زمره، شماره ۷  
دفاتی پستی: تهران - صندوق پستی  
۳۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵  
چاپ زندگی

در سرزمینی که توده ها قدرت شکست ناپذیر خود را آزمایش کرده اند، برای پهلوانان مجازی جدا از مردم، آینده ای وجود ندارد.

# اخراج

## مزدی که کارگران بخاطر شرکت در انقلاب دریافت میکنند

### چرا کارگران در انقلاب شرکت کردند

از عمر طبقه کارگر ایران بیش از هشتاد سال میگذرد. در این مدت جامعه ما تحولات و دگرگونی های بزرگی را بخود دیده است که از آن جمله می توان از انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اخیر، نام برد.

در کلیه این انقلابات و تحولات اجتماعی، طبقه کارگر ایران حضور فعال داشته است. ولی در هیچ یک از این انقلابات، نقش رهبری را نداشته و در کنار سایر طبقات و اقشار خلقی به رهبری طبقات غیر کارگری در مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کل جامعه علیه امپریالیسم و طبقات حاکمه وابسته به آنها شرکت کرده است.

در انقلاب اخیر اگر شرکت وسیع کارگران در آن و نقش تعیین کننده ای که کارگران (از جمله کارگران قهرمان صنعت نفت) در آن داشتند، نبود، انقلاب مایه این سرعت به پیروزی نمی رسید.

انگیزه و محرک کارگران را برای شرکت فعال در انقلاب، باید درست و استثمار شدیدی جستجو کرد که در دوران رژیم منقرض و وابسته سابق بخاطر حاکمیت سرمایه امپریالیستی در کشور طبقه کارگر ایران وارد میشده است.

وابستگی کشور به خارج سبب می شد که استثمار و بهره کشی از کارگران شدت بیشتری بیابد و مضعف گردد.

رژیم وابسته نیز برای تضمین این بهره کشی، یکی از سیاه ترین دیکتاتوری های تاریخ را بر مردم ما و خصوصا بر کارگران تحمیل نموده بود. این بهره کشی سیاه از کارگران موجب فرقه تر شدن بیش از پیش سرمایه داران وابسته و خانه خرابی و فقر و سیه روزی کارگران زحمتکش میهن ما

تنها از بار ظلم و ستمی که بر کارگران روا می شد کاسته نشده است، بلکه در مواردی این بار سنگین تر هم شده است. شواهد متعدد زیر این ادعای مارا ثابت می کند:

### اخراج مستمر و بی امان کارگران

در طی یکسال و نیمی که از پیروزی انقلاب گذشته است، حاکمین نه تنها برای کارگرانی که در جریان انقلاب بیکار شده اند، کار ایجاد نکرده اند، بلکه به جان کارگران شاغل نیز افتاده اند و اخراج مستمر و بی امان کارگران به وضع سرسام آوری ادامه دارد.

اینکار در شرائطی انجام می گیرد که کشور ما در محاصره اقتصادی امپریالیستها و تحت فشار بویژه از طرف دو ابر قدرت آمریکا و شوروی قرار دارد و باید از تمام امکانات و نیروها برای خنثی کردن نوطه های دشمنان انقلاب استفاده کنیم.

حاکمین نه تنها امکانات موجود را برای تامین خودکفائی کشور بسیج نمی کنند، حتی عالما و عامدا دست به کار آبی می زنند که جریخانی هم که در حال حرکت هستند از کار بایستند. نتیجه ای اینکار اخراج بی دربی و جمعی کارگران زحمتکش و میهن پرست گشوراست که از جان و دل مایه می گذارند که تولید کشور نخواهد وروزبه روز بالاتر برود.

بهبهانه هایی که برای اخراج کارگران تراشیده می شود، قابل تامل است. گویی که دستهای درگراست که می خواهد اقتصاد کشور را فلج بکند، پشتیبانان برویاقرض انقلاب را به دشمن انقلاب تبدیل کند و طوری عمل می شود که انگار کارگران تقاضی شرکت خود را در انقلاب و سهم بودن در پیروزی آن پس میدهند!

تعطیل کرد. وقتی تعطیل کارگاه پیش آمد، ما فکر تامین شغلی خود افتادیم و خواستار مزایای کارگران رسمی شدیم. ولی کارفرما، ما را اخراج کرد. تاکنون دوبار است که کارفرما به اداره کار دعوت شده، ولی او در این اداره حاضر نمی شود. ("رنجبر" ۸۱).

اخیرا ۱۸ نفر از شرکت "لاک فیلتر" به علت طرح خواسته های رفاهی خود اخراج کرده اند. ("رنجبر" ۶۵).

اخیرا در جابخانه "فرساد" ۵ تن از کارگران رابه علت درخواست دریافت حداقل دستمزد رسمی اخراج کرده اند ("رنجبر" ۶۵).

### اخراج به خاطر دفاع از حقوق کارگران

بیشتر از یکماه از دستگیری نماینده کارگران و سرگردانی نزدیک به ۷۰۰ کارگر کارخانجات ساگما می گذرد. در این مدت علیرغم مقاومت و مبارزه این کارگران برای آزادی نمایندگان خود، هنوز هیچ جواب فافع کننده ای از جانب مسئولین آرگانهای دولتی به آنها داده نشده و نماینده آنان نیز کماکان در زندان است. در همین مدت با وجود آنکه کارگران بارها و بارها به مقامات مختلف مراجعه کرده اند، ولی به جای رسیدگی به درخواست کارگران، کارخانه ها را تعطیل کرده اند. ("رنجبر" ۷۵).

"...سه تن از اعضای شورای کل پالایشگاه هم اکنون در زندان بسر می برند، در صورتیکه این سه نفر میبایست در کار تولیدی باشند نه در زندان... در مورد دستگیری و اتهامشان هم تاکنون هیچ توضیحی داده نشده است... ("رنجبر" ۶۱).

سه نفر از نمایندگان کارگران کارخانه سیمان نکا مانند دران را بجرم دفاع از منافع کارگران و به اتهام "اخلال" اخراج کردند. این نمایندگان که به شهادت کارگران

\* در آستانه اول ماه مه، چند تن از کارگران کارخانه "اکستوردر ماشین" شیراز رابه جرم درخواست انتخاب نماینده اخراج کردند! هم چنین خواست این کارگران رسیدگی به وضع بیمه و مسکن و غذا نیز بوده است. ("رنجبر" ۴۸).

### اخراج به خاطر مقاومت در برابر کارفرما

به دستور دادستان انقلاب اسلامی اهواز ۶ نفر از کارکنان، ۳ نفر نمایندگان شورا و ۳ نفر از کارکنان کارخانه به کمیته انقلاب اسلامی هفت تیه جلب شدند و پس از مدتها صحبت معلوم شد که علت جلب "ایستادگی در مقابل مدیریت" (!) بوده است. در این میان مدیریت نیز به هر کدام حکمی داد که تا روشن شدن وضعیتشان حق ورود به کارخانه و محوطه منازل کارگری را نداد و این ترتیب نوعی حکومت نظامی ایجاد کرد... ("از نامه کارکنان کاغذ سازی پارس، "رنجبر" ۴۵).

### اخراج بد اتهام واهی "اخلال"

\* روز یکشنبه هفتم اردیبهشت ماه عده ای از کارگران اخراجی ۱۲ کارخانه و کارگاه... به نمایندگی از طرف ۳۰۰ نفر کارگر اخراجی در جلوی وزارت کار تجمع کرده بودند. یکی از کارگران کارخانه ری، او. واک به خبرنگار "رنجبر" گفت: "ما کنسرا به عنوان "اخلالگر" از کارخانه اخراج شده ایم. در حالیکه هیچ دلیلی بر این اتهام وجود ندارد... ("رنجبر" ۴۶).

### عکس العمل کارگران

کارگران در مقابل اینهمه

## چرا به وضع روستای «کیوتردان» رسیدگی نمی شود؟

زحمتکشان انقلاب نکرده اند که از باب دو سوم محصول را به جیب بزنند و دهقانان مثل سابق با گر سنگی، بی لباسی و فقر و محرومیت دست و پنجه نرم کنند!

کرده و یکی از مالکان به نام "حاجی جعفر سلیمانی" را زده بیرون نمودند و زمین مالک دیگر را نیز جهاد سازندگی گشت کرده است که محصول آن بین روستائیان تقسیم نشده است.

تا بحال چندین بار دهقانان تصمیم گرفته اند که زمینها را بین خود تقسیم نمایند، ولی چون چهار نفر خرده مالک ده، ادعای گرفتن زمین را میکنند، بین دهقانان کم زمین و بی زمین با چهار نفر خرده مالک مشاجره شده و در نتیجه، مساله تقسیم زمین راکد و لاینحل مانده است.

### خواسته های دهقانان:

۱- تقسیم عادلانه زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین.

۲- تامین آب برای کشت مزارع، حداقل حفریک چاه عمیق.

۳- بردن برق به این روستا.

۴- ایجاد یک درمانگاه در حوالی این ده، به پارچه آبدی قرار دارد که فاقد درمانگاه میباشد.

۵- درست کردن حمام، که زحمتکشان دیگر مجبوره بیمون ۶ کیلومتر جاده خاکی نباشند.

۶- کشیدن آب لوله کشی به ده. اکثر دهقانان بعلت وجود گچ فراوان در آب موجود در ده، دچار

روستای "کیوتردان" که دارای ۸۶ خانوار و در مجموع حدود ۸۰۰ نفر جمعیت میباشد، جزء حومه بابلسر به حساب میاید.

برای رسیدن به کیوتردان باید از "امیرکلا" (از توابع بابل) و همچنین دوده دیگر عبور کرد. جاده ای که امیرکلا رابه کیوتردان وصل میکند ۶ کیلومتر میباشد که تماما خاکی است و در زمستان رفت و آمد از این جاده به سختی انجام میگردد. سابقا در این ده حمام وجود داشت ولی بعدا خراب شده و در حال حاضر غیر قابل استفاده میباشد. اهالی برای حمام کردن مجبورند ۶ کیلومتر راه را بیمایند تا در امیر کلا به حمام بروند.

از نظر بهداشتی، وضع بسیار بدی برده حاکم است. آب ده از چاه تامین میشود. در ده نه پزشک هست و نه درمانگاه. مدرسه هم در ده وجود ندارد و اکثریت اهالی، بجز تعدادی از جوانان ده، خواندن و نوشتن نمیدانند.

محصول عمده این ده، برنج میباشد اما به صیفی کاری از قبیل خیار، خربزه، هندوانه و گوجه کاری هم مشغولند. گندم هم بمقدار کم کاشته میشود.

### زمین، ارباب و دهقان:

تمام اهالی ده بجز ۴ - ۵ نفر به کار کشاورزی مشغولند. اکثریت دهقانان ده، کم زمین و بیابی زمین میباشد و برای امرار معاش مجبورند از اقلیت زمینداران، زمین گرفته و به



# نوسازی اقتصاد روستائی

## بدون دگر گونی اقتصادی روستایی نمی توان در راه کسب استقلال اقتصادی گام نهاد

### نوسازی کشاورزی برای ساختمان نوین اقتصادی جامعه ما اهمیت کلیدی دارد

تضعیف و تخریب اقتصاد روستایی ما هدف اصلی را دنبال می‌کند:

۱- درهم ریختن سازمان اقتصادی - اجتماعی روستا، کاهش ناب انقلاب ارضی که میلیونها دهقان را در آستانه حرکتی عظیم ویرخوش قرار داده بود، جایگزینی تسلط بلا سوار سرمایه داری بورژوازی وابسته به عوض حاکمیت متحد فتووالها و سرمایه داران بورژوازی وابسته، به منظور تحکیم سلطه و نفوذ امپریالیسم

۲- خشکاندن ریشه های تولید ملی برای تضعیف هر چه بیشتر سرمایه داری ملی - امری که گاهی مداوم نرخ سود را در زمینه های اقتصاد ملی و در عوض سودهای با دا آورده را در اقتصاد وابسته و زمینه های انگلی اقتصاد مانند زمین بازی و ... دنبال داشت

۳- تضعیف اقتصاد روستایی برای گشای گاهی تولیدات محصولات کشاورزی و در نتیجه وابسته شدن ایران در یکی از مهم ترین زمینه های اقتصادی یعنی گالاهای کشاورزی و مواد غذایی

۴- حرکت روستا به سوی ورشکستگی، و در نتیجه آزاد شدن غیر طبیعی نیروی کار فراوان و ارزان نسبی آن برای حوزه های سرمایه داری امپریالیستها و سرمایه داران وابسته.

۵- تضعیف بنیادهای تولید ملی و گرایش ایران به سوی انگلی هر چه بیشتر بد در آمدنفت، در این رابطه زمینه سازی برای گسترش بازار مصرف گالاهای امپریالیستی در کشور، به طوریکه بازار ایران مصرف کننده انواع

و کارگزارانش دست به دگرگونی دریافت و ترکیب اجتماعی - اقتصادی روستاهای کشورمان - این مهمترین پایه اقتصاد ملی - زدنا با توسعه بخشیدن به حوزه عمل سرمایه داری وابسته از طریق بورژوازی دولتی، زندگی اقتصادی ایران را بدل خواه خود تنظیم نموده و کشور را هر چه بیشتر بسوی تضعیف اقتصاد ملی و تقویت وابستگی بکشاند.

"اصلاحات ارضی" شاه دست به این برنامه خدمت میگردانند تا پیش درهم ریختن سازمان اجتماعی روستاهای کشور بسوی "اصلاحات ارضی"، بخش بسیار مهمی از تولید و باز تولید، خارج از حیطه نفوذ و حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته انجام میشد. در عین حال سرمایه داری ملی ایران، کسه عمدتاً خصلت تجاری داشت، ریشه های عمیقی در روستا داشت. برای مثال از سال ۱۳۳۹ تنها ۱۰ درصد وام نقدی بکار گرفته شده در روستاها از منابع دولتی تامین شد و ۹۰ درصد بقیه را منابع محلی و سنتی مانند فتووالها، مالکان ارضی، گاوبندها، نزول خورها، سلف خرها و ... تامین کردند. همین یک رقم نشاندهنده سهم ناچیز سرمایه داران بورژوازی وابسته در اقتصاد روستائی است. در حالیکه چند سال بعد این درصد بشکست دگرگون شد و انواع و اقسام بانکهای کشاورزی و شرکت های تعاونی و ... بخش اقتصاد روستائی را بدست گرفتند.

برای حفظ و تحکیم استقلال سیاسی تحصیل شده در انقلاب و پیش روی برای کسب استقلال کامل و همه جانبه، آغاز مبارزات بزرگ برای نوسازی ساختمان اقتصادی کشور اجتناب ناپذیر و ضروریست. به عبارتی بیروزی و یا شکست انقلاب ما از جمله بداین مربوط می گردد که تا چه حد موفق خواهیم شد این مبارزه را برای نیل به استقلال اقتصادی بهتر، دقیق تر و سریعتر سازماندهی نماییم و به پیش رانیم.

مضمون اصلی چنین مبارزه های را قطع بندهای وابستگی، تقویت بنیاد های تولید ملی و شکوفایی زمین های گوناگون اقتصاد ملی تشکیل می دهد.

در این میان دگرگون ساختن اقتصاد روستایی کشور به عنوان کلید پیشروی در حرکت به سوی استقلال اقتصادی مطرح است. به یک معنی سر نوشت این مبارزه بزرگ در قطع کنونی بسته باین است که در نبرد میان نیرو استقلال و شکوفایی اقتصاد روستایی کی بر کی بیروزی می یابد؟ آیا انقلاب قادر است شرایط را برای حاکمیت عناصر ملی و پیشرونده بر تولید روستایی فراهم سازد و نیروهای بازدارنده چون فتووالها و مالکان بزرگ ارضی وابسته و سرمایه داری بورژوازی وابسته را که سالیهاست بر اقتصاد روستایی جنگ

# تحلیلی در رابطه با اشعاب در سازمان چریکها

## وابستگان به روسیه بیش از پیش رسوا می شوند

چریکهای فدائی خلق همان طور که گفتیم ما آن را جزء نیروهای انقلابی می دانیم و آنها را صادق می دانیم در مبارزه که انجام می دهند، ( روزنامه مردم ۱۶ مهر ماه ۵۸ )

آقای کیانوری در چه مبارزه های آنها را صادق می دانید؟ در مبارزه بر علیه دولت جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و امام در کردستان، در گنبد، در بندر انزلی در همسویان با بخنبار و جناح بلوریان حزب دمکرات و یا در همسویان با مزدوران روسی که از جمله شماست؟ ...

رهبری چریکها بالاخره در مورد افغانستان، سوسیال امپریالیسم روس را حامی منافع مردم افغانستان و مردم مخالفان آنها را گول خورده معرفی نمود. آن وقت حزب توده با جبهه های بناس و خوشحال از این مسئله، خوشحال از اینکه زحمت های سه هدر نرفته اند این چنین از آنها استقبال کرد.

"دوستان دیر آمدید هنوز هم تردید دارید، اما به جبهه نبرد انترناسیونالیستی خوش آمدید" ( مردم شماره ۱۷۵ )

### تاکتیک جدید ابر قدرت روس و عملش

ابر قدرت روسیه که خود را در مقابل مقاومت جنبش های پر توان استقلال طلبانه ایران و افغانستان می بیند همانند دیگر ابر قدرت امپریالیستی دست به تدوین تاکتیکهای نوینی زده است که در حقیقت از همان امپریالیسم غرب فتو گویی شده اند. ابر قدرت روسیه علاقه مند است که گروههای مختلفی در ایران و افغانستان موجود باشند که از منافع او دفاع کنند. یکی از آنها به عنوان بازوی سیاسی و دیگری را به عنوان بازوی نظامی و عملی در

و اساسی است که در طول انقلاب اسلامی و بعد از آن از گلولی میلیونها انسان مبارز و مقاوم بیرون می آمد. یعنی "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" منظور این است که امروزه دوا بر قدرت جهان خوار و سلطه طلب در حال رقابت با یکدیگرند و از هیچ سرزمینی چشم نمی پوشند و در صدد گسترده کردن سلطه خود در کشورهای جهان می باشند. ملت ما به مصمصانه ترین شکلی ابر قدرت امریکا را بیرون کرده است و باید در مقابل توطئه ها و نقشه های پلیدش که می خواهد ایران از دست رفته را دوباره بدست آورد مبارزه کرده و خنثی نماید. ابر قدرت نو خاسته روسیه نیز می خواهد که میهن ما را زیر سلطه خود کند و مردم ما را استثمار کرده منابع طبیعی ما را به غارت برد و ایران را به عنوان پایگاه نظامی در جنگ آینده خود با امریکا مورد استفاده قرار دهد. در مقابل او نیز باید ایستادگی کرده به توده های مردم مصونیت سیاسی داد تا نقشه های پلیدش نقش بر آب گردد. خلق مسلمان و برادر افغانستان در بیخ گوش ما بهترین شاهد این حقیقت است که ابر قدرت روس با جنگ و دندان می خواهد کشورهای هم جوار را به زیر سلطه خود کشد. حال نظر آقایان رهبری چریکها در این مورد چیست؟ آنها می گویند "کشور سوسیالیستی شوروی" دوست خلقهای "جهان و از جمله ایران است. آنها به اصطلاح اردوگاه سوسیالیسم به رهبری شوروی را قبول داشته و خواهان آنند که با ایران روابط نزدیکتری برقرار کند. حال می توان دریافت که رهبری چریکها بر سر اساسی ترین شعار انقلاب ما با رهبری انقلاب با رئیس جمهوری ونیرو- های اصیل استقلال طلب و ضد امپریالیست وحدت نه در عمل و نه در

با افشا گریهای مستمر نیروهای استقلال طلب نقشه عوامفریبانه رهبری سازمان چریکها مفتوح شد و به سبکست انجامید.

جندی پیش که سازمان چریکها به "اکثریت" و "اقلیت" تقسیم شد و عده ای از آنان با حرکت چوبدستی مسکو و با کمک باند کیانوری یکبار به اصطلاح "طرفدار" انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شدند، ماهیت این تغییر و تحول از طرف "رنجبر" و دیگر نیروهای استقلال طلب فاش شد و این نقشه عوامفریبانه خنثی گردید.

به دنبال درج مقالات در نشریات مختلف، روزنامه اطلاعات نیز روز پنجشنبه دوم مرداد مقاله ای در این باره درج نمود که بخشهایی از آن را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانیم.

### تغییر مواضع چریکها بعد از انقلاب اسلامی ایران

پیش از ۲ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمی گذشت که رهبری چریکهای فدائی طبق ارزیابی های سیاسی از شرایط ایران و جنبش، در با اصطلاح دفاع از دولت مهندس بازرگان بر آمد و بر این عقیده بود که دولت برگزیده شده بسوی امام و تشکل یافته بسوی آقای بازرگان دولتی ملی و ضد امپریالیست است و در نشریه کار شماره ۲ سازمان چریکهای فدائی بود که از کلیه نیروها خواسته شد، از دولت بازرگان علیه امپریالیسم دفاع به عمل آید.

جندی از این مسئله نگذشته بود، که رهبری چریک های فدائی بنا به ارزیابی مجددش بر این عقیده شد که



امپریالیست نیست، بلکه دولت سرمایه داری لیبرال است، و ضد مردمی است. و سرکوب هم می کند، از منافع امپریالیسم در ایران دفاع می نماید. پس، باید بر علیه او به ستیز برخاست. این بار نیروها را به مقابله و مبارزه در روی دعوت کردند. آنگاه یکی از شعرهای مردم تبدیل به مرگ بر فدا شد کردید.

در طول سال گذشته سازمان چریکها در درگیریهای مسلحانه بر علیه دولت شرکت جست. در کردستان به کشت و کشتار دست زد. آنگاه سه طور ناگهانی در نثریه (کار شماره ۵۹) درگیری در کردستان را هرج و مرج نامیدند و خواهان جلوگیری از درگیریها شدند. اعضاء و هواداران این سازمان در تعجب بزرگی فرو رفتند.

برای همگی آنها سؤال پیش آمد، چگونه شد که تا بحال بر علیه "بورژوازی وازی لیبرال وابسته به امپریالیسم" باید "مبارزه مسلحانه" کرد، و از حق ملیتها یا اسلحه "دفاع کنیم".

مگر امام همان روحانی مرتجع نبود؟ پس چه شد که او را امروزه به رهبری جنبش ضد امپریالیستی و قیام بزعم آقایان و انقلاب به نظر رهبری و مردم، قبول دارند؟ ...

در حال حاضر اکثریت سازمان چریکها بر این عقیده است که این دولت به طور عمده وابسته نیست و می گویند: "حکومت کنونی هم چنانکه بارها اعلام داشته ایم حکومتی وابسته نبوده و نیست".

آیا رهبری سازمان چریکها از همان اول انقلاب نمی توانست به این نتیجه گیری برسد؟ پس چه شد که بعد از ۱۷ ماه به این جمع بندی می رسند و در عرض ۱۷ ماه گذشته دولت بعد از انقلاب را "بورژوازی لیبرال" وابسته به "امپریالیسم" معرفی کردند. و در هر کجا که توانستند در جهت ضربه زدن با شیوه قهر آمیز به این دولت و نهادهای ساخته شده بعد از انقلاب بر آمدند. تعداد وسیعی از جوانان صادق و مشتاق آموختن را به دور خود جمع کردند و به گمراه کشیدند.

سازمان چریکها هیچوقت حاضر نشد برای توده های مردم و هواداران توضیح دهد که در دوران امپریالیسم معیار ارتجاعی بودن چیست. آیا ارتجاعی آن کسیست که بر علیه امپریالیسم شرق و غرب بر یک امپریالیسم یعنی شرق تکیه کرده تا به جنگ امپریالیسم غرب رود؟ معیار اساسی و تعیین کننده همان شعار معروف

انقلاب کافی است که نشان دهد اهمیت مبارزه در عمل و موضع گیری بر علیه ابر قدرتها تا چه اندازه برای انقلاب نو پای اسلامی ضرورت دارد. امام می فرمایند: "ملت عزیز ایران شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته اید. هیچگاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی کنید" (از پیام امام خمینی به مناسبت ۲۲ بهمن ۱۳۵۸) و در جای دیگری می گویند: "امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دوی اینها بدتر، همه از هم بدتر، از هم پلیدتر، همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کارمان با این خبیث هاست".

### انشعاب سیاست حزب توده و شوروی بود

آیا رهبری چریکها یا این گفته های امام خمینی و نظر گاه ایشان در مبارزه برای حفظ استقلال ایران توافقی نظر دارند؟ ما به جرات می گوئیم که هرگز نمی توانند توافق نظر داشته باشند زیرا امام عمیقاً استقلال طلبند و رهبری چریکها (اکثریت) عمیقاً در جهت وابستگی به ابر قدرت روس قدم برداشته و امروزه با انشعابشان کام های بلندتری در این راه بر می دارند.

۳ سال پیش بود که اولین انشعاب در سازمان چریکهای فدائی رخ داد و شاخه منشعب به حزب توده پیوستند. عده ای از منشعبین در سازمان چریکها باقی ماندند و به کار "توده ای" خود ادامه دادند.

افکار توده ای و گرایش به امپریالیسم روسیه روز بروز در آن سازمان جا باز می کرد. حزب توده از همان اوائل با سازمان چریکها به بحث و تبادل نظر نشست و قدم به قدم از آنها دعوت به نزدیکی و یکی شدن نمود. حزب توده که به ظاهر و شهادتانه از انقلاب اسلامی ایران دفاع می کرد سازمان چریکها را "صادق" می دانست و هر نیروئی که به توطئه ها و سیاستهای ضد جمهوری اسلامی آن سازمان حمله می کرد مورد خشم حزب توده فرامی گرفت. هر قدر که چریکها در نزدیکی به حزب توده، و تمجید از امپریالیسم روس بر می داشتند مورد تأیید رهبری خائن حزب توده قرار می گرفت. می گویند: "درباره سازمان

حزب توده در اعطاسن برهمنی و زمین از رهبران حزب خلق را بروی کار آورد و زمانی که دریافت حزب خلق محبوبیتی ندارد و نمی تواند آن طور که باید و شاید از منافع او دفاع کند با یک کودتای درون کاخی امین را به قتل رساند و ببرگ کارمل رئیس حزب پرچم را به روی کار آورد تا شاید بتواند توده های مبارز و مسلمان افغانستان را بفریبد، بی دلیل نیست که امروزه در ایران عوامل مزدور حزب توده که در "حزب دمکرات" کردستان نفوذ کرده بودند آن حزب را به انشعاب می کشند، سازمان چریکها را به انشعاب می کشند و به طور رسمی از ابر قدرت امپریالیستی روسیه به دفاع می پردازند. در حقیقت این ستار بوری خائن حزب توده قبل از انقلاب برای این سازمانها و گروهها که در ایجاد جو متشنج و ضد مردمی سهمی بزرگ داشتند تنظیم کرده بود و امروزه زمان به اجرا گزاردن آن است. "اکثریت" سازمان چریکها به پیمانہ انتقاد از انقلاب چریکی و چپ روی و به دفاع از انقلاب بر آمدن، از بقیه انشعاب کرد. ولی تاکتیک روس ها و عواملشان امروزه این است که در حرف جمهوری اسلامی و امام را تأیید نمایند ولی در عمل بر علیه آنها توطئه چینی می کنند و می خواهند میهن ما را به اربابشان بفروشند. آنها می دانند که در جوانی قادر به اجرای نقشه های پلیدی شان نیستند، پس باید وقت را گشت. شرایط را آماده کرد و در طولانی مدت و به موقع ضربه مهلک را وارد کرد. جناح اکثریت چریکها هم به همین جمع بندی رسیده اند. حال این سؤال پیش می آید آیا روسیه می خواهد که چریکها و حزب توده یکی شوند؟ به نظر من خیر. زیرا رهبری حزب توده به خاطر گذشته ننگینش و به خاطر خیانتها و جنایتهاش در میان مردم محبوبیتی ندارد. ولی شیوه رخنه کردن و آدم کاشتن در موسسات و امور مملکتی را به خوبی بلد است در ضمن از نظر "سیاسی پخته تر" می باشد و بهتر می تواند از منافع ابر قدرت روس دفاع کند. به همین دلایل روسیه می خواهد که از حزب توده در مورد لزوم و به عنوان بازوی سیاسی استفاده کند همانند حزب خلق در افغانستان هر گاه که دیگر حزب توده مورد استفاده قرار نگرفت آن وقت از سازمان چریکها و گروه منشعب از حزب دمکرات و غیره که تا به امروز رل بازوی مسلح او را

یا نه؟ اگر عناصر ملی نتوانند سنگر های تولید در روستا را تسخیر نمایند، بدون شک نمی توان کوچکترین سخنی از نو سازی ساختمان اقتصادی کشور و حرکت به سوی استقلال اقتصادی به میان آورد.

اما چرا این امر ضرورت دارد و چگونه باید این امر تحقق پذیرد؟ برای درک این مطلب باید به اهمیت حاکمیت بر اقتصاد روستائی در زمان حاکمیت امپریالیسم و نتایج دگرگونی آن در سرنوشت مبارزه میهن برای کسب استقلال بی ببریم.

### اهمیت تضعیف اقتصاد روستائی برای رژیم شاه

رژیم شاه بیانگر منافع اقطاع و طبقات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم بود. اساس منافع این رژیم را وابستگی هر چه بیشتر کشور به امپریالیسم تشکیل میداد. درست به همین دلیل بود که رژیم شاه با هر چیزی که رنگ ملی داشت دشمنی می ورزید. چرا که وابستگی هر چه بیشتر یعنی تضعیف و تخریب هر چه بیشتر عناصر ملی در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی. در نتیجه رژیم شاه برای اینکه بتواند هر چه بیشتر کشور را وابسته کند مجبور بود هر چه بیشتر اقتصاد ملی ما را در درجه اول - تضعیف کند.

امپریالیسم برای وابسته کردن ایران، نیاز داشت که کنترل خود را بر اقتصاد کشورمان افزایش داده، فشار و اختناق بیشتری به بازار ایران تحمیل نماید. به همین منظور امپریالیسم آمریکا بدست دربار شاه

بازی می کردند استفاده کند. در پایان باید یک بار دیگر تذکر داد که انشعاب اکثریت بعد از یک دوره طولانی و حرکت گام به گام رهبری چریکها به سوی ابر قدرت شرق یک انشعاب فیهرانی و ضد استقلال ایران است یک پدیده منفی است و نه مثبت. باید هوشیارانه به آن برخورد کرد، باید در انتظار برنامه های بعدی آنها بود، باید در نظر داشت که ابر قدرت روس در حال توسعه نفوذ خود از طریق عواملش می باشد.

چنگیز علوی

شوم خود بر میهن ما محبوس بود سازمان اقتصادی - اجتماعی روستا های مارا درهم ریزد تا بتواند سیطره خود را بر برونراه های روستاها و روستاها را هر چه بیشتر اعمال کند. سرمایه داری ملی ایران که بنا به ویژگیهای رشد و تکاملش، در اساس متکی به اقتصاد روستائی بود، با برنامه های خانمان برانداز رژیم شاه که هدفش تضعیف اقتصاد روستائی بود، هر چه بیشتر فشار و ستم امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را بر روستاهای خود احساس می کرد. رژیم مزدور شاه در عین اینکه با تضعیف و تخریب اقتصاد روستائی، به ریشه های موجودیت بورژوازی ملی ایران ضربه میزد، در عین حال مارا در زمینه اصلی ترین کالاهای مورد نیاز مردم، یعنی محصولات کشاورزی، وابسته میگرد. بر هیچکس پوشیده نیست که از اواسط دهه ۴ دیگر ایران یکی از پر رونق ترین بازارها برای خرید کالاهای کشاورزی امپریالیستها شد بود. وابسته سازی ایران در این موارد و زمینه چینی برای غارت ثروت کشور و مصرف اضافه تولید انحصارات جهانی در شهرها و روستاهای کشور، یکی از "موفقیت های" بزرگ رژیم مزدور شاه در خدمت به امپریالیسم و تضعیف و تخریب بنیاد های تولید ملی ایران بود.

رژیم مزدور شاه پس از طرح "اصلاحات ارضی" توانست تحت فرماندهی دربار، تولید بزرگ کشاورزی را به انحصار خود در آورد. بسیاری از سرمایه داران وابسته و بورژوازی کراتهای نظامی و اداری یا بنگار انداختن سرمایه های خود در واحد های بزرگ کشاورزی همچون گشت و صنعت ها دیگر به حاکمیت بی رقیب تولید کشاورزی در سطح وسیع تبدیل شده بودند. بسیاری از وام ها و اعتبارات پرداختی در بخش کشاورزی به این نوکران امپریالیسم و دربار محمد رضا تعلق می گرفت. حاکمیت سرمایه داران وابسته بر تولید بزرگ کشاورزی و سیطره همه جانبه نهادهای گوناگون سرمایه مالی جهانی در ایران، مانند انشعاب اقسام بانکهای کشاورزی و شرکت های تعاونی، بناچار هر چه بیشتر تولید کنندگان خرده با و متوسط را در بخش کشاورزی تحت فشار و اختناق سرمایه داری وابسته قرار میداد. امروز به ندرت میتوان دهقانی در گوشه ای از روستاهای میهن یافت که تا خرخره به بانکهای مختلف و شرکت های تعاونی مقروض نباشد. . . . . بطور کلی رژیم مزدور شاه از

فراهم آوردن زمینهای لازم برای انحصاری شدن تولیدات کشاورزی بزرگ در دست دربار و سردگانش. سرمایه داری وابسته زمینه های جدیدی برای گسترش فعالیت های خود یافت.

### نوسازی کشاورزی برای استقلال ایران اهمیت حیاتی دارد

اکنون که رئوس سیاست های خانمان برانداز رژیم شاه مخلوع را در مورد اقتصاد روستائی بر سر داریم به سیاست هایی که از سوی انقلاب باید در این مورد اتخاذ شود اشاره می کنیم. گفتیم که مبارزه ما برای استقلال اقتصادی دقیقاً با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد. ما نمی توانیم بدون سازماندهی یک مبارزه وسیع و همه جانبه بر اساس بسیج تمامی عوامل مثبت و اتکا به نیروی توده ها در جنبه اقتصادی، انقلابان را به جلو هدایت نموده و قدم به قدم بندهای وابستگی را بگسلیم و به رهایی ملی نایل آییم. بخش مهمی از پیش شرط سیاسی شرکت فعال ما در این کار زار سرنوشت ساز، یعنی حاکمیت نیروهای ملی و غیر وابسته بر سیستم قدرت سیاسی، نامین شده است. بی شک تکمیل این زمینه سیاسی با حرکت طبقه کارگر به صف اول مبارزه ملی و ضد امپریالیستی شکل نهایی و کیفیتی کامل را نوبین به خود می گیرد و شرایط سیاسی را به کاملترین وجه خود برای شرکت همه جانبه در این نبرد فراهم می نماید.

اما در شرایط کنونی نیز عوامل برای ایجاد تحولات بزرگ در جنبه اقتصادی آماده است مضافاً اینکه سر نوشت ادامه انقلاب و درجه پیگیری و ناپیکیری قرن تا حد زیادی به چگونگی پاسخگویی ما به این وظایف بسته است. مبارزه برای ساختمان نوین اقتصادی جامعه جنین می طلبد که رشد و توسعه کشاورزی را به عنوان اساس این ساختمان بنگریم و به شکوفایی آن به عنوان بی ریزی این ساختمان توجه نمائیم.

"برنامه کنونی حزب رنجبران ایران برای ادامه انقلاب" که در بهمن ماه گذشته منتشر شد، مسائل ساختمان فقه در صفحه ۴





## تلفات روسیه در افغانستان روز به روز سنگینتر می شود

رئیس هواپیمایی افغانستان توسط مبارزین افغانی کشته شده است. در همین رابطه پلیس و نیروهای امنیتی افغانستان ۱۲ تن از کارکنان هواپیمایی افغانستان را با اتهام توطئه و خرابکاری در فرودگاه تحت بازجویی قرار دادند.

بدنیال ترور رئیس هواپیمایی افغانستان کلیه پروازهای خارجی و داخلی این شرکت بحالت تعلیق درآمده و فرودگاه به محاصره نیروهای امنیتی درآمد.

از سوی دیگر طبق گزارشهای رسیده از جبهه‌های نبرد مجاهدین افغانی از یک روحیه عالی مبارزه جویانه برخوردارند. یکی از خبرنگاران غربی که اخیراً از اردوگاه های آوارگان و دنا تر جنبش های آزادیبخش افغانستان دیدن کرده و با چند تن از چریک های مسلمان مصاحبه کرده است چنین بیان کرد که یکی از چریک های زخمی در جواب به خبرنگار که پرسیده بود پس از بهبودی چه کار میکنی گفت "تا آنجایی که فکرم کار میکنم می جنگم".

در عین حال مولوی محمد یونس خالص رهبر اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان در رابطه با سرکوب و جنایات نیروهای اشغالگر روس در افغانستان باین خبرنگار اظهار داشت "روسها تلاش میکنند ما را نابود کنند". وی اضافه کرد "آنها از بمب گذاری و ناپالم بر علیه ما استفاده میکنند. روزی نمیگذرد که دهکده های بر جمعیت را بمباران نکنند، اما آنها هنوز مناطق روستایی را در کنترل خود ندارند و حتی در کابل نیز در امان نیستند."

بنابر گزارشهای رسیده از منابع جنبش های آزادیبخش افغانستان، ارتش اشغالگر روس در تهاجم چندروز گذشته خود علیه نیروهای مجاهد افغانی با مقاومت و ایستادگی این رزمندگان روبرو شده و متحمل تلفات زیادی شده است.

بر اساس گزارشات جبهه اسلامی افغانستان بدنیال حمله چند روز گذشته مجاهدین به فرودگاه جلال آباد دوسرباز ارتش دست نشانده افغانستان و ۵ سرباز روسی کشته شدند. در پی این حمله فرودگاه و مناطق اطراف آن بوسیله نیروهای امنیتی شدیداً محافظت و کنترل میشود.

در بیانیه‌ای که از طرف این جبهه صادر شده است آمده است که در حمله دیگر مجاهدین به شهر "اسپینگار" در استان "نانکاراها" تعداد زیادی سرباز روسی کشته و ۳ تانک، ۲ تانکر بنزین و یک جیب و چند خودرو و زرهی نابود شده‌اند.

در ناحیه "رودات" مجاهدین افغانی ۱۱ عضو جناح "برجم" که حزب مزدور روسیه است را کشته و ۲ تن دیگر را زخمی کرده‌اند.

از طرف دیگر بنا بر گزارش خبرگزاری آبیوستند پارس نیروهای نظامی روسیه و مزدوران افغانی شان در دره "هلمند" در ایالت قندهار به محاصره مجاهدین افتاده و حداقل ۵۰ سرباز روسی و افغانی کشته، تعدادی تانک و خودرو نیز منهدم شدند و مقادیر زیادی مهمات و ابزار جنگی بدست مجاهدین افتاده است.

از کابل نیز خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که محمد نادر

## شکست توپخانه‌های تبلیغاتی روسیه

و یا تبلیغات سو علیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. آخرین نمونه دروغ پردازی مرتجعین روسی در این مورد سفر دو دیپلمات اسرائیلی به چین بمنظور فروش اسلحه به این کشور می باشد. بنگاههای تبلیغاتی روسیه مجدداً حماق "رابطه با کشورهای فاشیستی" را برداشته و اینبار بر سر چین که یک کشور دیگر جهان سوم میباشد فرود آوردند. ولی بیش از یک هفته نگذشت که توطئه آنها درهم شکسته شد.

وزارت امور خارجه چین ضمن تکذیب خبر سفر دیپلمات اسرائیلی به چین اعلام کرد که این تبلیغات توطئه‌ای است از جانب شوروی بمنظور برهم زدن مناسبات حسنه این کشور با کشورهای عربی خاورمیانه. مقامات وزارت امور خارجه چین همچنین اظهار داشتند که چین اسرائیل را بر سر میشتابند و هیچگونه رابطه‌ای با آن ندارد و همواره از مبارزات خلق فلسطین و سایر خلقهای عرب پشتیبانی نموده است.

چنین دروغ پردازیها و کارزارهای تبلیغاتی ابر قدرت شوروی در خدمت چه قرار دارد و هدف آن چیست؟ سیاست تبلیغاتی امپریالیسم شوروی را نمیتوان جدا از سیاست توسعه طلبی و تجاوزات نظامی آن در آسیا و آفریقا مورد بررسی قرارداد.

هدف اصلی شوروی سلطه بر جهان است. بدین منظور تهاجم وسیعی را به مناطق استراتژیکی جهان آغاز نموده است. شوروی برای آنکه بتواند تجاوزات خود را به سایر کشورها در افکار عمومی جهان موجه جلوه دهد و هر نوع صدای ضد توسعه طلبانه ای را خفه سازد، منطق فاشیستی اش بوی حکم میکند که با بیای سرکوب و تجاوز نظامی، تبلیغات مرعوب کننده‌ای را به پیش برد تا با ایجاد شکاف، تفرقه و سستی در صفوف خلقها و کشورها با اهداف توسعه طلبانه خود جامعه عمل ببوشاند و ارتش متجاوزش بدون هیچ نوع مقاومتی "فاتحانه" وارد خاک کشورهای دیگر شوند.

ولی مرتجعین روسی و مزدورانش همانند کلیه مرتجعین جهان تهی مغزانی بیش نمیباشند. مگر آفتاب در امپراطوری انگلستان

نموده و پشتیبانی بین المللی از این جبهه ضد توسعه طلبی روسی را قطع نمایند. و صد البته مزدوران بانس کمانوری نعل به نعل ارباب این هجویات رادر "روسنامه" خود منتشر

## رویدادهای اقتصادی

### افزایش شاخص‌های عمده فروشی

به گزارش خبرگزاری پارس شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در خرداد ماه ۱۳۵۹ نسبت به ماه قبل ۲/۸ درصد بالا رفته است. این شاخص نسبت به خرداد ماه ۱۳۵۸ با افزایش چشمگیری بی سابقه‌ای معادل ۲۷/۴ درصد همراه بود. بطور متوسط شاخص مذکور طی سه ماه اول ۱۳۵۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳۳ درصد ترقی کرده است.

در خرداد ماه سال جاری در بین سه گروه عمده تشکیل دهنده شاخص بهای عمده فروشی کالا در ایران شاخص گروه کالاها تولید و مصرف شده در کشور ۲/۵ درصد و شاخص گروه کالاها صادراتی بدون تغییر ماند. در مقایسه با ماه مشابه سال قبل یعنی خرداد سال ۱۳۵۷ شاخص سه گروه مذکور به ترتیب حدود ۳۹ درصد، ۲۳ درصد و ۳۵ درصد ترقی کرده است که در نوع خود بسی سابقه بوده است.

در خرداد ماه ۱۳۵۹ در مقایسه با خرداد ماه ۱۳۵۸ بیشتر گروههای اصلی و بر مصرف شاخص بهای عمده فروشی کالاها با افزایش بسیار زیادی همراه بود که در این میان شاخص گروه مواد خوراکی و گروه منسوجات و پوشاک هر کدام حدود ۴۸٪ شاخص گروه مواد خام صنعتی ۳۳ درصد شاخص گروه مواد شیمیایی و پترو شیمی ۳۰ درصد شاخص گروه کاغذ و مقوا بیش از ۲۶ درصد، شاخص گروه فلزات اساسی ۲۶ درصد شاخص گروه محصولات کشاورزی دامپروری ۵۶/۵ درصد ترقی کرده است.

### سالانه ۲۰ میلیون گرسنه به گرسنگان جهان اضافه می شود

شورای جهانی مواد غذایی در گزارشی اعلام کرد که بادر نظر گرفتن برنامه‌های موجود در زمینه توسعه، تعداد افرادی که دچار گرسنگی مزمن و سوء تغذیه هستند ممکن است در دهه ۱۹۸۰ در حدود ۴۰ درصد افزایش یابد و به ۷۰۰ میلیون برسد.

آوسیبیند پرس که این خبر را از قول مدیر اجرایی شورای مذکور منتشر کرده است، از جانب همین منبع اضافه میکند که امروزه در چهار قاره جهان بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در مالک در حال توسعه دچار گرسنگی مزمن و سوء تغذیه هستند. آفریقا گرسنه ترین قاره است و در آن از هر ۴ نفر یک نفر به اندازه کافی تغذیه نمیشود و میزان غذایی که مردم این قاره دریافت نمی کنند در مقایسه با یکدهه قبل کاهش یافته است.

مدیر اجرایی شورای جهانی مواد غذایی افزود که آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین و چند جزیره واقع در دریای کارائیب نیز از عرضه نا کافی مواد غذایی رنج میبرند.

### برای مقابله با ۸۰ میلیارد تومان کسر بودجه،

# بودجه اضطراری تصویب شد

هفته گذشته جلسه هیئت وزیران با حضور دکتر بنی صدر رئیس جمهور، طرح بودجه اضطراری کشور را بررسی و تأیید کرد. بموجب این طرح، دولت باری مقابله با فشارهای خارجی و داخلی و جلوگیری از بروز وقفه جدی در کارها مجبور است به مقدار زیادی از هزینه‌ها گاسته و منابع جدیدی برای درآمد ایجاد کند.

در طرح بودجه اضطراری ۸۰ میلیارد تومان کسری وجود دارد که اساساً ناشی از کاهش درآمد نفت به نصف میزان پیش بینی شده است - قرار بود ۱۷۵ میلیارد تومان از ۲۲۷ میلیارد تومان بودجه کل کشور از محل درآمد نفت تأمین شود که بعثت مشکلات موجود انتظار می‌رود درآمد نفت از ۹۶ میلیارد تومان، یعنی نصف میزان پیش بینی شده فراتر رود. محدودیت نسبی بازار فروش ماواز را افتادگی کمبود وسایل یدکی که در قسمت‌های مختلف حفاری استخراج، بالایش و... علت اصلی کاهش درآمد نفت است. بگذریم از اینکه این علتها خود زائیده هرج و مرج سیاسی و انقلابیگری کاذب در کشور است. یعنی در بودجه کل کشور نسبت هزینه‌ها به درآمدها سه بر یک است. یعنی خرجها چهار بر یک در خاسته است دولت مجبور است برای جبران این کمبود در درجه اول بمیزان زیادی از هزینه‌ها بکاهد. به همین منظور کاهش ۵۰ میلیارد تومان از هزینه‌ها که از جمله بوسیله یکسان کردن دستمزدها، کاهش اضافه کار و حق مسکن و غیره حقوق بگیران صورت می‌گیرد به تصویب هیئت دولت رسیده است. در عین حال با ایجاد منابع درآمد جدید مانند افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و صرفه جویی در طرحهای عمرانی و هزینه‌های جاری، دولت انتظار دارد که بتواند بخش دیگری از کسری بودجه‌اش را جبران کند. در عین حال با توجه به اینکه بیش از ۷۵٪ از بودجه ۲۰۰ میلیارد تومانی مخصوص طرحهای عمرانی نمیتواند مصرف شود دولت انتظار دارد که در حدود ۴۰ میلیارد تومان از این طریق صرفه جویی کند.

کسر بودجه امسال دولت دو برابر کسری بودجه سال گذشته است. سال گذشته نیز کسر بودجه ۲ برابر سال قبل بوده است. این برآستی زنگ خطر است برای دولت و ملت است. که اگر به آن توجه جدی نشود بدون شک عواقب فوق العاده وخیمی برای کشور خواهد داشت.

بدون کوچکترین تردیدی عدم ثبات سیاسی و تعدد مراکز قدرت که شب و روز فکرو دگرگشان در اینستکه در کار همدیگر و در امر پیشرفت انقلاب ایجاد اختلال کنند، مهمترین عامل دخالت اوضاع و بحران کنونی است. کمتر کشوری را در سراسر جهان و در تمام طول تاریخ میتوان یافت که در معرض یکسال با اینکه به ماجرا و بربرو بوده باشد، آنهم ماجراهایی که بسیاری را خود حاکمین با دست خود بوجود آورده‌اند. بدون ثبات سیاسی و روشن بودن برنامه‌های عمومی مملکتی نمیتوان انتظار داشت که جرخهای اقتصاد کشور حرکت عادی خود را داشته باشد. بی ثباتی تردید و دودلی را دامن میزند و زمینه بسیار مساعدی را برای اخلال بوجود می‌آورد.

کاهش درآمد نفت و تأثیر تعیین کننده آن بر بودجه کشور باید هشدار باشی برای ما باشد تا از اتکالی صرف به پول نفت بپرهیزیم و بدنیال جایگزینی منابع جدید درآمد از راه شکوفایی اقتصاد ملی و رشد تولیدات داخلی باشیم. برای اینکار لازم است که اولاً سهم بودجه عمرانی کشور مرتباً افزایش یابد ثانیاً این طرحهای عمرانی از لحاظ کیفیت، جوابگوی نیازهای توسعه اقتصاد ملی کشور باشد. چرا که اگر یادمان باشد رژیم شاه سابق هم هر ساله مبالغ قابل توجهی را به خاطر برگردن جیب مقاطعه کاران و سرمایه داران بزرگ وابسته طرح و اجرا می‌شد. خلصتاً نمیتوانست جوابگوی ضرورت‌های اقتصاد ملی باشد. بر عکس این طرحها مسبب گسترش حوزه قدرت و تحکیم سلطه امپریالیسم و سرمایه داران وابسته میشد.

در عین حال باید توجه داشته باشیم که برای جمع کردن یک بودجه مناسب، در درجه اول باید جامعه از ثبات سیاسی برخوردار بوده و برنامه‌های روشنی برای پیشرفت کارهای خود در زمینه‌های و ناگون داشته باشد.

دربار و نه جندان دور، شاهد تبلیغات همین دآرود ستم‌زودور و برادران تنی شان یعنی باندگشنگر - نگهدار در رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق بودیم که دولت جمهوری اسلامی را "آمریکائی"، و "طرفدار آمریکا"، "وابسته به آمریکا" و "یاسا مملو از عناصر آمریکائی" قلمداد مینمودند تا ریشه استقلال جوانان جمهوری اسلامی را بکشکنند، توده های مردمی را نسبت به جمهوری اسلامی بدبین نموده و ایران انقلابی را در صحنه جهانی منفرد نگاه دارند و یاسا توطئه مزورانه سفیر روسیه در مکزیک

## کودتا در...

### بقیه از صفحه اول

از پیش حفظ خواهد شد چرا که کشور بولیوی همانند دیگر کشورهای امریکای لاتین سالهاست که به امریکا وابسته بوده و تحت سلطه آن قرار دارد. اکثر نظامیان این کشور در پایگاههای امریکایی تعلیم و آموزش می‌بینند و از آنجا دستور می‌گیرند و بعید به نظر می‌رسد کودتایی از جانب این نظامیان صورت گیرد اما منافع شرکت ها و انحصارات امریکایی را در نظر نگیرید. اما علت اصلی اینکه امریکاساب خود را ظاهراً از کودتاجیان جدا می‌کند، مقاومت شدید و قهرمانانه مردم و رشد مبارزات آنها علیه امریکا و دست نشانگان‌ش است و امپریالیسم امریکا نمی‌خواهد خود را از ضربات بیشتر خم و مبارزات ملت در اسان نگهدارد.

مردم بولیوی عمیقاً ضد امپریالیست هستند. آنان در زمان ریاست جمهوری لیدیا گوئیتر نیز به عنوان مختلف طی تظاهراتها و میتینگهایی علیه امپریالیسم امریکا، خواستار اخراج سفیر امریکا که در امور داخلی بولیوی دخالت می‌کرد شدند.

حال بدون شک هر چقدر که از عمر کودتا بگذرد ماهیت ضد مردمی و امریکایی آن بیشتر آشکار خواهد شد. تحولات اخیر بولیوی و تحولات سیاسی جهان بیانگر رشد مبارزات خلقها و کشورهای تحت ستم علیه امپریالیسم و بیه ویژه دو ابر قدرت است. کودتاها و توعیض مهره‌های امریکا و روسیه در کشورهای جهان سوم نخواهد توانست امواج توفنده مبارزات خلقهای جهان را علیه سلطه جوئی، ستم و استثمار خاموش سازد.

کشورها استقلال، ملت‌ها آزادی و خلقها انقلاب می‌خواهند. این جریان رشد یابنده تاریخی است و هر نیرویی که بخواهد خلاف این جریان تاریخی حرکت کند بالاخره محکوم به شکست است.

این کودتا توسط عده‌ای از فرماندهان ارتش بولیوی صورت گرفته که طی اطلاعیه‌های اعلام کرده‌اند که رئیس جمهور استعفا داده و قدرت به ارتش و نیروهای مسلح تفویض شده است و شورای عالی نظامی، زمام فرماندهان نیروی هوایی، زمینی و دریایی کلیه امور را زیر نظر دارند. کودتاجیان پس از غصب قدرت

دولتی شروع به قلع و قمع و سرکوب کارگران، مردم زحمتکش، سیاستمداران، سازمان‌های سیاسی، سران دولت قبلی و... کرده و تمام اتحادیه های کارگری بولیوی را نیز منحل اعلام نموده‌اند. امام مردم بخصوص کارگران معادن و دانشجویان مقاومت شدیدی از خود نشان داده و به وسیله رادیو به افشاگری می‌پردازند. به این دلیل نظامیان روز بروز شدت عمل بیشتری در مقابل مقاومت مردم نشان می‌دهند و تا کنون تعداد زیادی را دستگیر و اعدام کرده‌اند.

به دنبال وقوع کودتا و مقاومت بی نظیر خلق بولیوی در مقابل کودتاگران، امریکا ظاهراً با کودتا مخالفت نموده و خواستار بازگشت لیدیا گوئیتر رئیس جمهور سابق این کشور شده و اعلام کرده است که در صورت تحکیم قدرت دولت کودتا کمک‌های نظامی و اقتصادی خود به این کشور را قطع خواهد کرد. با توجه به حمایت سازمان های فاشیستی و برخی از انحصارگران امریکائی از این کودتا و موقعیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی جغرافیایی بولیوی با صراحت می‌توان گفت که مخالفت ظاهری امریکا با کودتا یک ژست مقدماتی بوده تا اگر کودتا موفق نشد امریکا بتواند خود را بی تقصیر جلوه دهد و البته در صورت تحکیم رژیم کودتا منافع امریکا بیشتر

تست ویژه مجمع عمومی به سیاست های تجاوزگرانه و اشغالگرانه دولت صهیونیستی اسرائیل برخورد نمود و سیاست دولت بگین را در مورد انتقال پایتخت اسرائیل از تل آویو به بیت المقدس محکوم ساخت. فاروق قدومی مسئول بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین بنمایندگی از طرف این سازمان در این نشست سخنرانی کرد.

اسرائیل پس از غصب بخش شرقی بیت المقدس در سال ۴۶ از اردن و الحاق آن به سرزمینهای خود با یک برنامه تدوین یافته شروع به انتقال پایتخت خود از تل آویو به بیت المقدس نمود، در همین اواخر نیز علیرغم مسوج اعتراضات کشورهای عربی و دیگر کشورهای جهان وزارتخانه‌های کشاورزی و مسکن رابه اراضی اشغالی بیت المقدس انتقال داد.

خبرگزاری وفا اعلام کرد که دوقفره عملیات تعرضی توسط مبارزین فلسطینی در شهرهای عکا و یافا بمرحله اجرا درآمده است. در یک عملیات در اثر انفجار بمبی که توسط مبارزین فلسطینی کار گذاشته بود در یکی از تاسیسات صنعتی شهر عکا آتش سوزی بزرگی رخ داد. همچنین در شهر یافا یک واحد گشتی نظامی اسرائیلی مورد حمله مبارزین فلسطینی قرار گرفت. خبرگزاری وفا ادامه میدهد که نیروهای اشغالگر اسرائیل حملات گسترده‌ای را در مناطق اشغالی آغاز کرده‌اند و بسیاری از فلسطینی ها رابه اتهام خرابکاری بازداشت نموده‌اند

۲۴ زندانی سیاسی فلسطینی که در زندان صحرائی نفحه بسر می‌برند بعنوان اعتراض به وضع بسیار نامناسب زندان و اعمال شکنجه های جسمی و روحی از یکشنبه ۲۲ تیر ماه دست به اعتصاب غذا زدند. بنا بگزارشات خبرگزاریها مقامات زندان حاضر نشدند مبارزین فلسطینی را که وضع جسمانی آنها به شکل حادی به مخاطره افتاده است تحت درمان قرار دهند. در نتیجه در روز دهم اعتصاب غذا یک زندانی بر اثر سینه پهلو درگذشت و دو اعتصاب کننده دیگر نیز مبتلا به سینه پهلو شدند. بعنوان همبستگی با زندانیان اعتصاب غذا کننده خانواده‌های آنان دست بیک تحصن، مقابل کنسولگری آمریکا و انگلیس در بیت المقدس زدند.

## رنجبر و خوانندگان

### آیا واقعا اینجا کمیته ارزاق است؟

دبیر محترم روزنامه رنجبر خواهمشمنداست مقاله زیر را در روزنامه رنجبر درج و منتشر نمائید. آیا واقعا اینجا کمیته ارزاق است؟

این کمیته که گویا در حدود یک سال یاده ماه است در آبادان شروع به کار کرده و وعده‌های ماموریت یافتند سر شماری نسبی از خانه‌ها بعمل آورند و کارت‌های جیره دادند.

ماه اول به هر خانه دو قوطی بودربلاس شویی دادند که آنهم گریبعضیها آمد و گریبعضیها هنوز نیامده بود گفتند این کارت‌ها لغو شده زیرا قبیل آنها دزدی شده و بعداً به بعضی از کسبه مقدار پودر یا روغن نباتی میدادند که آن فروشنده خریدار را مجبور میکرد یک یا دو قلم پس دیگر او را به همراهی این پودر و روغن خریداری نماید و گاسه بدست ساعتها، در صف بماند.

توزیع کننده نیز به جند نفر میداد و میگفت تمام شده و بقیه آنرا باقیمت گران و دلخواه خود بیهشتن مشتریان میفروخت (آیا کمیته

### حزب توده دشمن جمهوری اسلامی (۵)

# دشمنی باند کیانوری با استقلال و خط نه شرقی نه غربی

## آنچه که سران حزب توده به دنبال آند، رژیم وابسته به شوروی یعنی دیکتاتوری فاشیستی نوع روسی است

در شماره‌های گذشته نشان دادیم که چگونه سران حزب توده در زمینه‌های مختلف با اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در تضاد و دشمنی قرار دارند. در این شماره به یک مسأله اساسی پرداخته و نشان می‌دهیم که این دار و دسته مزدور با اساس انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یعنی راه نه شرقی، نه غربی و استقلال دشمنی و خصومت ریشه‌ای دارند.

"استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی" سه اصل بنیادی جمهوری اسلامی ایران و "نه شرقی، نه غربی" اصل راهنمای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. مفهوم نه شرقی نه غربی چیست؟ بطور خلاصه:

۱- نفی وابستگی بطور کامل و نفی وابستگی به دوا بر قدرت جهان‌خواز آمریکا و شوروی بطور خاص.  
۲- اتکاء به نیروی خود و تکیه بر نیروی توده‌های مردم چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه اقتصادی.

شعار "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی در واقع جوهر سر چشمه اصل استقلال است. از ۱۵ خرداد خونین به بعد، شعار نه شرقی، نه غربی به معنی پرچم استقلال از دوا بر قدرت و اتکاب به نیروی خود راهنمای عمل انقلابیون و مبارزان ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز بنا بر اراده میلیون‌ها نفر مردم ما بر این اصل استوار گردید و موفق شد استقلال سیاسی خود را بر این اساس حفظ نماید. دشمنان جمهوری اسلامی ایران، عوام مسل امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت درست به همین ستون استوار جمهوری اسلامی تهاجم میکنند و می‌کوشند تا با انحراف از راه "نه شرقی، نه غربی" به اشکال و بهانه‌های مختلف جمهوری اسلامی را به یکی از دوا بر قدرت جهان‌خواز وابسته سازند.

در این مورد بخصوص باند کیانوری در حزب توده، این عامل رسوا و شناخته شده روسیه با تمام قدرت و امکانات خود و دستگاه جاسوسی و دیپلماسی آرباش، به دشمنی باره نه شرقی نه غربی و تحریک آن برخاسته است. ریشه سیاست رهبران حزب توده را در دشمنی با امر اتکاء به نیروی خود، همان اتکاء به روسیه می‌توان دید.

سخت استقلال و راه "نه شرقی، نه غربی" است. انقلاب اسلامی ایران از ابتدای حرکت خود در راه "نه شرقی، نه غربی" حرکت کرد. امام خمینی رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، پیش از پیروزی انقلاب چنین می‌گفتند: حکومت اسلامی، حکومتی است آزاد و مستقل و روابطش با شرق و غرب به یک نحو است... ما اجازه نمی‌دهیم کسی در مقدرات مملکتان دخالت کند. (مصاحبه با اکسپرس - ۲۰ دی ۵۷) و "ملت مادر سراسر کشورهای اسلامی اثر میگذارد و ملت‌ها را به فکر رهایی از جنگال شرق و غرب می‌اندازد" (مصاحبه با رادیو تلویزیون لوزان - ۲۰/۱۰/۵۷). همان زمان امام امر اتکاء به نیروی خود را چنین بیان کردند: "ما هیچ دولتی استمداد نکرديم و نخواهيم کرد. ما به نیروی ملت اتکاء داریم و احتیاج به دولتها نداریم." (مصاحبه با خبرگزاری بی بی سی - ۱۹/۱۰/۵۷).

لیکن باند مزدور کیانوری کوشید تا پیروزی انقلاب را نه بر اثر تکیه بر نیروی رزمنده توده‌های میلیونی بلکه به علت باصلاح‌حمایتی بر قدرت روسی (کدام حمایت؟) وانمود کند. آنها بارها از جمله نوشتند: "در بحبوحه درگیری جنبش انقلابی رهایی بخش ما با رژیم سفاک دست نشانده شاه مخلوع، دولت آمریکا که شکست خوردانتر دیک می‌دید تصمیم گرفت با کسبیل نیروی نظامی انقلاب ایران را غرق در خون کند. اخطار دولت شوروی که از زبان لئونید پوزنیف دبیر کل حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت باعث گردید که واشنگتن در تصمیم خود تجدید نظر کند و از مداخله نظامی در ایران اجتناب نماید." (مجله "دشمنی با استقلال"

مبارزه کرده است. باند کیانوری که مخالفتش با استقلال افشاء شده بود، ناچار میشود موقتاً دست به عقب نشینی زده و مانند برخی دیگر از طرفداران روسیه به ظاهر از شعار نه شرقی نه غربی دفاع کرده و از این طریق سمت گیری به نفع شوروی را ابقاء کند. کیانوری سردسته این باند مزدور طی مصاحبه‌های بار روزنامه کیهان خود را موافق با این شعار جا میزند. اما همه جا در قالب موافق نه شرقی نه غربی و رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد تا مبارزه را تنها به آمریکا محدود سازد و شوروی را دوست و مدافع و حتی قیم انقلاب ایران جلوه دهد. (مسأله بعداً راجع به سیاست "دوست یابی" و در واقع روس یابی این باند توضیح خواهیم داد).

آنها میخواهند با تشرار و تلقین وانمود کنند که سوسیال امپریالیسم روسیه پاک و بی‌گناه است و می‌توانند: "اراجب افتر آ میز در باره دخالت شوروی در امور داخلی کشورهای همجوار ساخته و پرداخته دشمنان مردم ایران است." (!)

امام خمینی ... بقیه از صفحه اول ویتنام را ذکر میکنند!! لکن، امام خمینی بار دیگر با تکیه بر روی ضرورت تقویت ارتش رعایت سلسله مراتب و انضباط و فرمانبرداری از فرمانده کل قوا در عین پاکسازی آن، همه این توطئه‌های ابرقدرتها را افشا و همچنین نظرات چیرواکه موجود در میان برخی نیروهای اسلامی را قاطعانه رد میکند و با کلام موجز و گویایی میگوید: "هم پاکسازی وهم دوستی و مهربانی در زمینه وحدت، امام خمینی

## مجلس

### اعتبار نامه

### حسن آیت بتصویب رسید

احمد سلامتیان سپس به جملاتی از آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب فلسطین اشاره کرد و افزود: "در زمان دکتر مصدق و کاشانی که برای هردوی آنها طلب آموزش می‌کنم خط بقایی و شاپور بختیار ایجاد اختلاف و برخورد بین این دو ستون بود و اکنون این خط توسط آیت بین پدر و فرزندانش در داخل انقلاب دنبال میشود."

احمد سلامتیان در پایان سخنان خود آقای آیت را به نقض قانون اساسی و تضعیف و توطئه علیه رئیس جمهور متهم نموده و در مورد مطالب نوار آیت گفت: "این مطالب یک جریان است و کوششی برای تضعیف رئیس جمهور، برهم زدن نظم، ایجاد اختلاف بین روحانیت و روشنفکر، ایجاد برخورد بین امام و رئیس جمهور، اخلاص در کار ادارات و غیره... میباشد."

### دفاعیات حسن آیت:

آقای حسن آیت در صبح روز پنجشنبه پس از رسمی شدن مجلس به دفاع از خود پرداخت و ضمن اشاره به فعالیت‌های سیاسی خود در ایران به برخی از موارد اتهام پاسخ داد.

آقای حسن آیت در سخنان خود ضمن تکذیب موارد اتهام اظهار کرد که من از سال ۱۳۴۱ به بعد هیچ رابطهای با بقایی نداشتم.

آقای حسن آیت در ادامه سخنان خود در مورد نوار گفت: "کسی که نوار را تهیه کرده است شخصی بنام عزت‌الله کفایتی از اهل محلات بود، که قبل از انقلاب هم به پیش من می‌آمد. منتهی آنوقت ساواکی بود. این شخص سئوالاتی مطرح کرده بود و ما هم جواب دادیم. وی ضمن فاش کردن بخش‌های

منتشر شده از نوار افزود که ایمن شخص گفته بود که ما میتوانیم رجوع را بکشیم. من گفتم که خیر رجوعی لیاقت گشته شدن را ندارد. گفت که لااقل موسی خیابانی را بکشیم که در تبریز نفوذ زیادی دارد. گفتم نه و مخالفت کردم. این شخص همین سئوالات را از آقای موسوی دادستان تبریز کرده بود. شاهد من هم خود آقای موسوی است.

اعتبارنامه آقای حسن آیت نماینده تهران در ساعات پایانی جلسه علنی دیروز چهارشنبه توسط مخرکمیسین تحقیق به مجلس ارائه شد که پس از برشمردن موارد اتهام و ارائه دلایل از طرف آقای سلامتیان ادامه جلسه به روز پنجشنبه موکول گردید.

صبح روز پنجشنبه ۲ مرداد ماه پس از سخنرانی و دفاع نماینده مورد اعتراض پیشنهاد رای علنی در مورد اعتبارنامه داده شد که طی یک سلسله اعتراضات و مباحثات رای گیری درجوی متنسج صورت گرفت و اعتبار نامه آقای حسن آیت با اکثریت آراء تصویب شد.

### سخنان احمد سلامتیان

آقای احمد سلامتیان بعنوان اعتراض کننده موارد اتهام آقای حسن آیت را چنین توضیح داد: "من در نامه‌ای که به ریاست سنی و کمیسین تحقیق ارسال داشتم خواستار ارسال چند پرونده از جمله پرونده شماره ۱۲۱۵۶ حفاظتی آموزش و پرورش و کلیه اسناد و مدارکی که در جاسوسخانه نسبت به "حزب زحمتکشان" وجود دارد و همچنین پرونده حسن آیت در مرکز اسناد ملی، سند ملی این پرونده ها به کمیسین تحقیق نرسیده است."

احمد سلامتیان به نقش حزب زحمتکشان در کودتای ۲۸ مرداد اشاره کرد و گفت: "حزب زحمتکشان در کودتای ۲۸ مرداد ماه دخالت داشت و مدافع کودتا بود و آنرا یک قیام ملی میدانست. این حزب در جاسوسخانه مدرک دارد و باید عرض کنم که من حسن آیت را بعنوان یکی از فعالین و گردانندگان نسل جوان حزب زحمتکشان میشناسم."

احمد سلامتیان در ادامه سخنانش به نقش آقای حسن آیت در کرسی بحث آزاد روزنامه اطلاعات از سالهای ۴۴-۱۳۴۵ اشاره کرد و گفت: "پس از تحریم روزنامه اطلاعات توسط دانشجویان که بعنوان یک اردوگاه تبلیغاتی و امنیتی رژیم سابق عمل میکرد، روزنامه اطلاعات با این عمل به بازی سیاسی دیگری متوسل شد و بحث آزاد دانشجو درست کرد. در این جلسات بحث آزاد که در "انجمن

(روس نامه مردم - ۲۵ آذر ۵۸). آنها میگویند روسیه از آمریکا بهتر است و می‌نویسند: "جای تأسف است که علیرغم این واقعیات انکار ناپذیر باز کسانی می‌کوشند همبستگی دولت اتحاد شوروی با مردم ایران دوستی سنی بی‌شائبه این کشور را با کشور ما تخطئه کنند." (مردم - ۱۵ آبان ۵۸). و: "اتحاد شوروی اجازه تجاوز نظامی به خاک ایران را نخواهد داد." (مردم - ۲۹ آبان ۵۸) و بالاخره "اتحاد شوروی حامی انقلاب ایران است." (مردم - همانجا). یعنی خلاصه روسیه قیم ما و همه‌کاره ایران است!! وقاحت از این بیشتر نمیشود.

باین ترتیب سران وابسته‌ها حزب توده با اساس انقلاب جمهوری اسلامی ایران یعنی استقلال و راه "نه شرقی، نه غربی" دشمنی دیرینه و بنیادی دارند و از اینرو هیچگاه نمیتوانند مدافع این جمهوری و طرفدار حفظ و تحکیم آن باشند. آنچه که آنها میخواهند نه یک جمهوری مستقل بلکه رژیمی وابسته به شوروی، یعنی دیکتاتوری فاشیستی نوع روسی است.

### اطلاعیه ...

#### بقیه از صفحه اول

در ارتباط با اشغال دفاتر حزب رنجبران ایران لازم بیادآوری است از آنجاکه از طرف هیچیک از مقامات قانونی کشور علیه حزب ما اقدام یا اعلام جرمی نشده است و این امر همانطور که در اطلاعیه دادستانی کل کشور قید شده بشیوه غیرقانونی اشغال گردیده‌اند، واگذاری آنها به مقامات دادستانی پس از بیرون رفتن گروه‌های غیرقانونی مورد قانونی نداشتن و باید سریعاً به حزب رنجبران ایران مسترد



حزب توده در مجلس چهاردهم در دشمنی با سیاست موازنه منفی چنین می گوید: "من سیاست تعادل قوا را پیشنهاد می کنم که با سیاست فعلی مغایر است... ما با ایستایی وسیله موازنه بین دوی نیروی عمده باشیم و آنرا قوی کنیم." و با درجای دیگر صریحاً می نویسد: "ما بهمان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن سخن نمی گوئیم، باید معترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد. باید باین حقیقت پی برد که مناطق شمال ایران در حکم حریم امنیت شوروی است و عقیده دستای که من در آن هستم (یعنی حزب توده) اینست که دولت بفریبت برای دادن امتیاز نفت شمال به روسها و نفت جنوب به کمیانیهای انگلیسی و آمریکایی وارد مذاکره شود" ("مردم" شماره ۱۲ - ۱۳۲۳)

بنا بر این روشن است که چگونه حرکت سران حزب توده از ابتدا بر وابستگی و دنباله روی و مخالفت با اتکاب به نیروی خود آغاز میشود.

خبر بسیار است. باند کیانوری از ابتدای انقلاب با تمام قوا و گستاخانه به شعار نسه شرقی، نه غربی هجوم می آورد و طرفداران این شعار و رهبران انقلاب را بی شرمانه شاه مقایسه میکند و در یک ردیف قرار میدهد. در مقاله "افسانه نه شرقی و نه غربی" میگوید: هدف از این ملاحظه چیست؟ نشان دادن "استقلال" در قبال شرق و غرب؟ اگر چنین باشد کار نیست پس نادرست و سیاسی است پس زبان بختی... مگر شاه مخلوع با همین حرفها و همین شیوهها نمی خواست که "استقلال" خود را به ثبوت برساند؟ (روستامه مردم - ۴ تیر ۵۸). این باند مزدور برای پیش بردن خط وابستگی به شوروی ولوت کردن شعار نه شرقی، نه غربی تا آنجا دروغ میگوید که شاه را تطهیر کرده و صاحب همین حرفها و همین شیوهها "که میخواست "استقلال" خود را اثبات نماید معرفی می کند.

در جواب این مزدوران مردم میهن مادر مبارزات و تظاهرات میلیونی خود علیه رژیم شاه بارها شعار نه شرقی، نه غربی را تکرار کرده و می کنند و رهبران استقلال طلب انقلاب با سخنان خود توهنی محکمی به این عوامل رسوای خط وابستگی به شرق می زنند: "برای ما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار فرقی نمی کند." (پیام امام - ۲۵ اسفند ۵۸) و "من بارها گفته ام و در این روز بزرگ می گویم تا قطع تمام وابستگی ها به تمام ابرقدرت های شرق و غرب مبارزات آشتی ناپذیر ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد." (امام خمینی - پیام روز ۲۲ بهمن ۵۸) و "به نظر من شعار نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی چکیده ای از آن ارزش هاست که معنی اش استقلال و عدم پیروی کردن جامعه ما از یک تسلط خارجی و همچنین عدم تسلط خودش بر دیگران می باشد." (بنی صدر - گفت و شنود با النهار - ۱۷/۸/۵۸) و "نه غرب استعمارگر و نه شرق خدعه گر به فکر نجات ملت محروم جهان نیستند... برای آزاد شدن از چنگال یک ابرقدرت نباید اسیر ابرقدرت دیگری شد." (آیت الله منتظری - روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۲/۱/۵۹)

حزب رنجبران ایران نیز با مبارزه بیگانه علیه امپریالیسم به ویژه دوا بر قدرت جهان خوار و با طرح شعار "نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و منگی بخود". همواره مدافع صریح و انقلابی سیاست نه شرقی، نه غربی بوده و با دشمنان این سیاست

مکرراً تاکید میگذارند و تصریح می فرمایند که رئیس جمهور و دولت و مجلس باید با هم همکاری و تفاهم داشته باشند و نگرانی خود را از بابت بعضی مسایل نابجای طرح شده در این زمینه ابراز میدانند.

در زمینه نظم و قانون، امام خمینی بار دیگر نکاتی را که در سخنرانی های اخیر خود بیان کردند با صراحت بیشتر تکرار میکنند و دو راه حل مکمل یکدیگر را در این زمینه قید میکنند: اول اینکه هر کس و هر نهاد مسئولیت خود را بدین در انجام دهد و دوم اینکه اشخاص و نهادها در امور یکدیگر دخالت نکنند، تا هم کارها پیش رود و هم هرج و مرج خاتمه پذیرد.

از این دیدگاه، دیگر نادرستی کار گروه های خودسر و غیرمسئول و خودکامه که به میسل خودهمه کار میکنند، خود را به جای قانون و مراجع قانونی می نشانند و هر

ادعایی مطرح است، رسیدگی به این مورد منوط به اقدام مستقل مقامات رسمی کشور پس از استرداد دفاتر حزب میباشد.

روزها اعمال هرج و مرج طلبانه های که آخرین اشغال مراکز و دفاتر و ادارات دولتی است به قانون شکنی پرداخته و هرج و مرج را دامن میزنند کاملاً روشن است. این گروه ها که خود را "هوادار امام" میدانند باید بدانند که امام بروشنی مداخله بی جای یک قوه در قوه دیگر مملکتی را محکوم میکند چه برسد مداخله گروه های کاملاً غیرمسئول در امور قانونی مربوط به قوای سه گانه مملکتی.

وحدت، نظم و قانون طلسم پیروزی انقلاب ماست. کسانی که میخواهند این طلسم را بشکنند عملاً برضد انقلاب عمل میکنند!

ارسنجانی، خالری، علی امینی و ازمندی (شکجه گرساواک) شرکت میکردند.

وی افزود که گرداننده این جلسات بحث آزاد جوانی بود بنام حسن آیت. فساد اجرا کنندگان این بحثها بقدری بود که بعضی از اعضا آنرا دانشجویان فنی سران را تراشیدند. چونکه اینها از همکاران ساواک بودند...

حزب توده در مجلس چهاردهم در دشمنی با سیاست موازنه منفی چنین می گوید: "من سیاست تعادل قوا را پیشنهاد می کنم که با سیاست فعلی مغایر است... ما با ایستایی وسیله موازنه بین دوی نیروی عمده باشیم و آنرا قوی کنیم." و با درجای دیگر صریحاً می نویسد: "ما بهمان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن سخن نمی گوئیم، باید معترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد. باید باین حقیقت پی برد که مناطق شمال ایران در حکم حریم امنیت شوروی است و عقیده دستای که من در آن هستم (یعنی حزب توده) اینست که دولت بفریبت برای دادن امتیاز نفت شمال به روسها و نفت جنوب به کمیانیهای انگلیسی و آمریکایی وارد مذاکره شود" ("مردم" شماره ۱۲ - ۱۳۲۳)

**بیت المقدس ...**  
بقیه از صفحه اول

اسرائیل غاصب بیش از پیش در سطح بین المللی منزوی خواهد شد. اما صهیونیسم که اساس و بودی آن بر پایه تجاوز، توسعه طلبی و نژادپرستی بنا نهاده شده است و بدون این عوامل علت وجودی خود را از دست میدهد، برای حفظ موجودیت ننگین خود تا - گزیر از تقویت عناصر ماهوی تشکیل دهنده خود است و مآدام که صهیونیسم موجود است عملکرد آن جدا از آنچه که تا کنون به جهانیا ن نشان داده شده نخواهد بود.

امریکای جنایتکار اگر چه تلاش می کند تا بنا به ملاحظات دیپلماتیک و سیاسی از اقدام اخیر صهیونیست ها قاصله بگیرد، لیکن کیست که نداند تمام تجاوز گریهای اسرائیل غاصب با تکیه به پشتوانه اقتصادی سیاسی و نظامی امریکا صورت می گیرد و این متجاوزین جنایتکار با بر خوردی از چنین حمایت بی دریغی سر پای خود بند شده اند و به عنوان یکی از منافع های اساسی امریکا در منطقه از منافع غارتگرانه و تجاوز کارانه امریکا دفاع می کنند.

اما آنچه که بیش از حمله به اسرائیل غاصب اجازه می دهد تا چنین گستاخانه عمل نماید حاکمیت تفرقه و نشئت در جهان عرب است. تفرقه و نشئت که دو ابر قدرت امریکا و روسیه باعث آنند و دائماً به آن دامن میزنند تا هر یک از این دو سلطه گر از این رهگذر بتوانند کشورهای منطقه را با خود متحد و یا بخود وابسته نگه دارند و مواضع لازم را در رقابت لجام گسیخته خود حفظ کنند و هر یک بر دیگری برای آقایی بر این منطقه در ازا لگد مال شدن منافع اعراب و فلسطینی ها پیشی بگیرد.

اتر در کشورهای عربی وحدت جایگزین تفرقه و گرایش به تکیه به نیروی خود به جای گرایش به ابر قدرت ها در مقابل با صهیونیست ها ایجاد نشود موقعیت به نفع غاصبین و تجاوز کاران و به قیمت ادامه اشغال فلسطین و سرزمین های عربی ادامه خواهد یافت و تنها اتحاد عمل جنبش فلسطین و کشورهای عربی است که می تواند شرایط لازم را برای برآورده شدن آرمان های آزادیخواهان مسلمانان منطقه و همه نیروهای مخالف توسعه طلبی و سلطه گری فراهم آورد.

در حال حاضر کشورهای مسلمان تلاش می کنند تا با پشتیبانی همه کشور های غیر متعهد جهان اقدام اخیر صهیونیست ها را به اهرمی علیه خود این غاصبین تبدیل نموده و وی را در سطح بین الملل منزوی سازند. در این ارتباط حبیب شطی دبیر کل کنفرانس کشورهای اسلامی اعلام کرده که هیچ کشوری اجازه ندارد سفارت خانه خود را در اسرائیل به بیت المقدس منتقل سازد و گرنه، واکنش شدید ۴۲ کشور مسلمان جهان روبرو خواهد شد.

این خواست کنفرانس کشور های اسلامی کاملاً محقانه است و انتظار می رود کشورهای اسلامی با تکیه بر وحدت و انسجام درونی خود و با هوشیاری در مقابل توطئه های تفرقه افکنانه متعددی که امریکا و روسیه علیه آن ن طرح ریزی می کنند بتوانند ضربات جدیدی بر پیکر منحوس صهیونیسم بین الملل وارد سازند.

بیت المقدس پایتخت صهیونیسم ها نبوده و نخواهد بود و بدون شک دیری نخواهد پایید تا به گورستان صهیونیسم تبدیل شود.



یکی بر سر شاخ بن می برید ...

